



به سردبیری :

مصطفی صابر و نوید مینائی

jk.sardabir@gmail.com

001 604 730 55 66



۳۷۳

۲۹ مهر ۱۳۸۷

۲۱ اکتبر ۲۰۰۸

# جو انان کمونیست

www.cyoiran.com

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

آینده از آن ماست!

سه شنبه ها منتشر می شود

## بختک اسلامی (۲) نسبیت فرهنگی و حجاب

میم ب از ایران

پست مدرنهای مرتجع که بعد از فروپاشی بلوک شرق و بقول خودشان پایان کمونیسم، توانستند در گوشه و کنار دنیا جایی برای توهامات فلسفی خود بازکنند و پرچم زنده باد سرمایه داری را به بیانی فلسفی بلند کنند، تز بشدت ارتجاعی نسبیت فرهنگی را هم در دنیا اشاعه دادند. نسبیت فرهنگی که امروز لحظات آخر عمر سیاسی خود را سپری میکند، دنیا را به اقلیت های قومی، ملی، نژادی و مذهبی تقسیم میکند و تحت نام آزادی عقیده و بیان تمامی فرهنگها، سنن و مذاهب را که مشقت و بدبختی بشر جز ارکان آنهاست را برسمیت میشناسد و حتی پروبال میدهد.

نسبیت فرهنگی یعنی در دهه آخر قرن بیستم (زمان گل کردن این جریان ارتجاعی) نوار تاریخ را نگهدارید و بگویند فرهنگهایی که تاکنون بوجود آمده اند بس است، باید به همه آنها احترام گذاشت. در این دیدگاه ظاهراً این فرهنگها که امروز میبینیم از آسمان نازل شده اند و سرچشمه ای خدایی و ازلی و ابدی دارند، و در پروسه های تاریخی شکل نگرفته اند. درست بهمین دلیل احترام به سنن عقبمانده را هم ضروری میدانند. اما متوجه نیست که

ادامه صفحه ۹

## "پیروزی شادمانه تر!"

کنفرانس بزرگ ده اکتبر از نگاه نویسنده گاردین

یادتان باشد دو هفته قبل با مریم اکتبر در لندن گفتگو کردیم. حالا باید نمازی در باره برگزاری کنفرانس ۱۰ به مریم نمازی و همه کسانی که برای



برپایی این کنفرانس زحمت کشیدند صمیمانه تبریک و خسته نباشید بگویم. این کنفرانس يك موفقیت بزرگ نه فقط برای همه ما که پیشروی مبارزه با مذهب در ابعاد انگلیس و اروپا بود. این را یادداشت های ریچارد داوکینز در وب سایت شخصی اش و همینطور نوشته ای از گاردین که بابک کسرابی ترجمه کرده و در ادامه خواهد آمد منعکس میکنند. عکس ها و فایل های ویدئویی تمام کنفرانس در سایت اکس مسلم انگلیس هست. حتما نگاه کنید. آیا کسی میداند آخرین باری که ۲۰۰-

ادامه صفحه ۸

## مارکس قدم میزند!

ایمان شیرعلی



فقط بر تی شرت این دختر جوان نیست که مارکس با آن نگاه نافذش به شما نگاه میکنند و با آرامش در خیابان قدم میزند. موضوع از این جدی تر است. این روزها همه جا صحبت از بحران مالی آمریکاست که گریبانگیر دیگر کشورها نیز شده. دولت های مختلف

مصطفی صابر



## بحران و آینده سرمایه داری از سارکوزی تا دکتر کردان!

پیش گویی ها، راه حل ها و نگرانی ها هم در حرکت اند. در مرکز این گفتگوی جهانی و در صدر اخبار و

ادامه صفحه ۱۱

## جملات ماندگار!!!

نوین آزادی- اصفهان

مروری بر سخنان حکیمانه مسئولین جمهوری اسلامی: جالب است بدانید این سخنان بدون هیچ گونه تغییری در اینجا آورده شده و هیچگونه طنزی در کار نیست.

رادان: "قرار گرفتن چکمه بر روی شلوار به دلیل نشان دادن بخشی از برجستگی بدن از مصادیق شرع است و تبرج به حساب می آید."

جوادی آملی: " دانشمندان فیزیک، شیمی، بارانشناسی و زمین شناسی بدون پسوند اسلامی نفهمند."

شکوفه گلخو، رییس دانشگاه الزهرا: "بدجایی زنان موجب فعال شدن غده هیپوفیز مردان در تولید مثل میشود."

امام جمعه شیراز: "گرانی خانه باعث شد جوان پاک ما به جای مسکن، دوست دختر و دوست پسر بگیرند."

حسنی، امام جمعه ارومیه: " اگر فرد مشرکی را وقتی فهمیدیم که واقعاً مشرک شده، باید او را بسوزانیم؛ اگر با گلوله هم بود اشکالی ندارد."

قرائتی: " ما آخوندها همیشه مثل گاز اشک آور عمل می کنیم؛ فقط بلدیم گریه مردم را در آوریم."

احمدی نژاد: " ما يك کشور آزاد هستیم."

حسین مرعشی: " احمدی نژاد نه فقط معجزه هزاره سوم، که معجزه هزاره

ادامه صفحه ۲

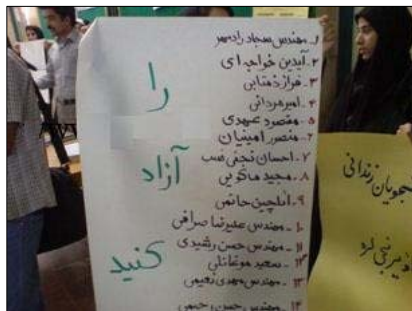
# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تجمع دانشجویان بوعلی در اعتراض به دستگیری دانشجویان آذربایجان

چهارشنبه ۲۴ مهر ماه تعدادی از دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان در اعتراض به بازداشت و اذیت و آزار

دانشجویان زندانی در سراسر کشور سازمان داد.

شهروندان متساوی الحقوق بسازیم و این در گروی مبارزه همه جانبه با جمهوری اسلامی و هر نوع گرایش تفرقه



دانشجویان دانشگاه های آذربایجان تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان آزادی دوستان خود شدند. همچنین دانشجویان در این تجمع خواهان حق تحصیل به زبان مادری برای همه و رفع فقر و نابرابری اقتصادی شدند. این تجمع که با حضور ده ها دانشجو شروع شده بود در فضای کاملاً امنیتی، با حضور نیروهای لباس شخصی که از دانشجویان فیلم برداری می کردند یک ساعت ادامه داشت. دانشجویان اسامی دوستان زندانی خود را درشت نویسی کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان شدند.

هیچ دانشجویی نباید به جرم فعالیت صنفی، اجتماعی، سیاسی و هر گونه فعالیت حق طلبانه دیگر دستگیر و مورد تهدید و اذیت و آزار قرار گیرد. باید وسیعترین اعتراضات متحدانه را در همه دانشگاه های ایران برای آزادی تک تک

تحصیل به زبان مادری حق مسلم هر شهروندی در جامعه است. در یک دنیای بهتر " برنامه حزب کمونیست کارگری ایران آمده است: " ممنوعیت زبان رسمی اجباری. دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد. "

سازمان جوانان کمونیست معتقد است برای رسیدن به آزادی و برابری، حق تحصیل و زندگی به زبان مادری و رفع ستم ملی و اقتصادی باید جامعه ای با

افکنانه ناسیونالیستی و قوم پرستی ست. تفکیک مردم بر اساس قومیت و ملیت های مختلف باعث ایجاد تفرقه و تضعیف مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری می شود.

سازمان جوانان کمونیست از دانشجویان سراسر کشور می خواهد برای آزادی دانشجویان زندانی، رفع آپارتاید جنسی، برچیدن بساط نهاد های سرکوبگر، رفع فقر و نابرابری و برای آزادی و برابری و سوسیالیسم اعتراضات خود را سازمان دهند و دانشگاه را تبدیل به فضای امنی برای تحصیل و فعالیت های حق طلبانه خود کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
سازمان جوانان کمونیست  
۲۷ مهر ۸۶، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۸

## پابرهنه میان حرفها

یاشار سندی

جمعه شهراکسفورد را بعهد گرفته است.

ای فمینیستهای اسلامی کجایی که بعد از قانونی شدن ازدواج دوم با رضایت همسر اول، یک قدم دیگر در مبارزه با مردسالاری برداشته شده، امام جمعه مون!

کلاتری، محقق و استاد دانشگاه: خداوند بالاترین مدافع حقوق زن است.

چشم و دل فمینیستهای اسلامی روشن. صبر کنید تا چند وقت دیگر خدا تغییر جنسیت میدهد میشود زن! همانطور که یک وقتی کارگر شده بود.

آیت الله جوادی آملی: مهد کودک باید با فرهنگ، آداب و رسوم اسلامی همراه باشد.

مربی مهد کودک: دلبندهم بعد از پی پی یا جیش، حتما شکر خدا را بجا آورید باشه! آفرین!

روزنامه جمهوری اسلامی: وضع نابسامان حجاب به شکل بسیار حاد و هشدار دهنده ای حالت غیرعادی پیدا کرده.

پس چی شد طرح امنیت اجتماعی تان!

مدیر حوزه علمیه قم: ما همیشه از این طرح (امنیت اجتماعی) حمایت کرده ایم و از پلیس می خواهیم که این طرح را با جدیت و قاطعیت ادامه دهد.

شرمنده حاج آقا، طرحتان را بگذراید در کوزه و آبش را بخورید!

وزیر رفاه: الزاما کسی که درآمدش پایین است فقیر نیست. ممکن است کسی درآمد بالایی داشته باشد، اما قدرت تنظیم مالی یا اقتصادی برای خودش نداشته باشد. او آدم فقیری است.

این را میگویند تر ز کردن از روی شکم سیری.

مهاجرانی: گوهر تمدن فرهنگ است و گوهر فرهنگ باور دینی و معنویت.

گوهر دینی و معنویت هم یعنی زندان و سنگسار و اعدام.

کمالی، وزیر کار سابق: نفتی که ۱۲۰ دلار فروختیم چه کردیم؟ در صورتی که می شد با درآمد آن چند کشور را ساخت.

کسی باور دارد که ایشان نداند با این ثروتها چه کردند؟

سایت یکی از گله های حزب الله: احمد نژادی گفته: به مصیبت حسین علیه السلام فکر کن! مصیبت احمدی نژاد که چیزی نیست!

ای الهی همان حزب الله های بمیرند که ایشان اینجور جگر سوز ناله نکند!

پسر مظهری: ولایت فقیه به این معنی نیست که دیگران عقل خود را تعطیل کنند

اما به معنی این است که افسار خود را به او بسپارند.

سایت های حکومتی: یک زن امام

پیر دختر آمریکایی ولگرد است که ناکامی های جنسی وی موجب عقد شده است.

سخنگوی دولت، پس از تصویب لایحه بودجه: " دولت مسئول گرانیهای سال آینده نخواهد بود."

وزیر کشور ( در مورد انتخابات ): " آقادر که به فکر آفتابه لگن هستیم به فکر تقویت محتوای برنامه ها نیستیم."

احمدی نژاد: " آمریکا به ایران حمله نمی کند چون من مهندس و مسائل را تحلیل می کنم."

کرمانشاه: " آلمانی ها اگر بشر بودند یک زن رقص رئیسشان نمی شد."

احمدی نژاد: " اینها ... به اندازه بزغاله هم از دنیا فهم و شعور ندارند. علی لاریجانی در جریان رسیدگی به پرونده هسته ای ایران: " با شکلات راضی نمی شوم."

لاله افتخاری، نماینده مجلس ( مسجد ) شورای اسلامی: " در سرزمین اسلامی نباید یک مریض زن بدست نامحرم مداوا شود."

شکراه عطارزاده، نماینده مجلس ( مسجد ) هفتم: کوندالیزا رایس یک

می آوریم، ... بعد از انتخابات: " نفت خوردنی نیست که سر سفره ها بیاوریم."

الهام، سخنگوی ( وقت ) دولت: " نفت را سر سفره مردم نمی آوریم، بوی بد می دهد."

مسئولین نیروی انتظامی در ملاقات با یک گروه از وزارت کشور آلمان آمادگی خود را برای تامین امنیت بازیهای جام جهانی ( در آلمان ) اعلام کردند.

اسماعیل ططری، نماینده سابق

حسینی: " اگر مومنین غسل جمعه را انجام ندهند مشکلات کمبود گاز مرتفع می شود."

حسینی در نماز جمعه، چگونگی خواستگاری نرجس خاتون برای امام حسن عسکری! توسط پیامبر که در عالم خواب صورت گرفت را توضیح داد.

وزیر مسکن: " ساکنان شهرهای بزرگ امیدی به خانه دار شدن نداشته باشند." وزارت اطلاعات: " سنجابهای جاسوس در مرز دستگیر شدند."

احمدی نژاد: نفت را سر سفره مردم

## جملات ماندگار!!! ...

چهارم هم هست.  
امام جمعه تبریز: " علت زلزله اخیر تبریز، اظهارات اعلی نماینده تبریز در مورد سیدالشهدا بود."  
خزعلی: " حجاب موجب بالا رفتن معدل دانشجویان میشود."  
احمدی نژاد: " در ایران همجنسگرا نداریم."  
امینی، امام جمعه قم: " سنگسار باید علنی باشد."  
احمدی نژاد: " ایران قدرت اول جهان است."

## استقبال بی نظیر از سخنرانی آنا برتهلومه و مینا احدی در دانشگاه دوسلدرف آلمان

روزهای ۳ تا ۵ اکتبر دانشگاه هاینریش هاینه دوسلدرف شاهد حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر فعالین مدافع حقوق زن از سراسر جهان بود. در این کنفرانس که توسط شورای زنان مبارز در کشور آلمان هر دو سال یکبار سازمان می یابد، صدها نفر از فعالین و دست اندرکاران جنبش زنان از سراسر جهان شرکت میکنند. امسال هشتمین کنفرانس بود که بیش از دو هزار نفر در آن حضور داشتند. دهها گروه کاری و فوروم، مباحثات متعدد در مورد زندگی و مبارزات زنان در کشورهای مختلف، این کنفرانس را به یکی از بزرگترین و مهمترین تجمعات در آلمان تبدیل کرده است. موضوع اصلی کنفرانس امسال " زنان و دختران، در سراسر جهان به پا میخیزند" بود. روز اول کنفرانس سفر به دنیای زنان و دختران در سراسر جهان بود. از ۳۱ کشور جهان، دهها زنان در این کنفرانس بین المللی در مورد

مشکلات و مسایل و همچنین مبارزات خودشان گزارش داده و صحبت کردند.



روز شنبه ۴ اکتبر، گروههای کاری به معرفی موضوعات مورد بررسی خود پرداخته و در این برنامه مینا احدی و آنا برتهلومه، فعال مدافع حقوق زنان و ژورنالیست معروف در آلمان نیز به معرفی گروه کاری خود " مذهب و حقوق زنان" پرداختند. ساعت یک و نیم بعد از ظهر سالن محل برگزاری این گروه کاری مملو از

موسس کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و یکی از موسسین شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان است. مینا احدی از مرکزیت حزب کمونیست کارگری ایران است. سپس مینا احدی به معرفی آنا پرداخت و گفت، من بسیار خوشحالم که با آنا آشنا شده و همکاری میکنم. نفس اینکه من الان در این کنفرانس سخنرانی میکنم، بدلیل کوشش آنا برتهلومه است، چرا که او در همه گروههای آمادگی این کنفرانس حضور داشته و برای سخنرانی من در این کنفرانس تلاش کرده است. آنا ژورنالیست و عضو سازمان آزاداندیشان در آلمان است آنا عضو مرکزیت سازمان مارکسیست لنینیست آلمان است، سپس هر دوسختران حدود نیم ساعت سخنرانی کرده و بحث خود را معرفی کردند.

سپس سوال و جواب و بحث با حاضرین انجام گرفت. هیبت های نمایندگی از فلسطین و پاکستان در این گروه کاری بسیار فعال بوده و در مورد نقش اسلام و اسلام سیاسی در فلسطین و پاکستان نظر میدادند. استقبال از مباحث چنان زیاد بود که کمتر کسی بعد از سه ساعت بحث داغ احساس میکرد که خسته شده و

باید برود. بسیاری از حاضرین بعد از جلسه نیز در محل باقی مانده و به بحث با سخنرانان پرداختند. این کنفرانس و استقبال از مباحثات در مورد اسلام سیاسی و راههای مقابله با جنبش اسلامی، یکبار دیگر اثبات کرد که عطش مردم به پاسخ درست در مورد سوال جنبش اسلامی و اسلام سیاسی بسیار زیاد است و مردم منتقد شدید و معترض به سازمانهای دست راستی و دولت های غربی و مماشات آنها با اسلامیها هستند و در عین حال منتقد همسویی و همکاری برخی از سازمانهای چپ با اسلامیها هستند. در این کنفرانس در مورد معضل حجاب و حجاب کودکان به تفصیل صحبت شد و حاضرین به انجام یکسری فعالیت و آکسیون بر علیه حجاب کودکان تمایل نشان میدادند.

مینا احدی در پایان این کنفرانس در مورد اعدام و اعدام کودکان در ایران صحبت کرد و از کمپین نجات فرزند کمانگر حرف زده و خواهان دخالت فعال همگان برای نجات جان محکومین به اعدام در ایران شد.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان  
۱۶ اکتبر ۲۰۰۸

### مارکس قدم میزند!...

طمعکاری افرادی چند و عدم کنترل کافی دولتها بر سرمایه گذاری و معاللات بانکی توجیه کرده در بهترین حالت تقصیر را گردن نشو لیبرالیسم بیاندازند، خبری متفاوت نظر مرا به خود جلب کرد. عنوان خبر به این شرح بود: " مارکس دوباره خواهان دارد!"

مضمون این خبر به این شرح است: " طی بحران مالی اخیر نقد کارل مارکس به کاپیتالیسم دوباره مورد توجه اذهان قرار گرفته. مدیر مسئول انتشارات کارل-دیتس که از ناشرین آثار مارکس و انگلس در آلمان به شمار میرود طی مصاحبه ای با روزنامه NRZ اذعان به این امر که " مارکس دوباره مد شده" اضافه کرد: ... به طور مثال فروش جلد اول کتاب



جوانان آکادمیک تشکيل میدهند که واهی بودن خوشبختی به روش نئولیبرالیستی برایشان مسجل شده. این ناشر که از فروش بیش از ۱۵۰۰

جلد کتاب کاپیتال از ابتدای سال میلادی تاکنون خبر میداد پیش بینی کرد روند صعودی خرید آثار مارکسیستی با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت... لازم به ذکر است این خبر به سرعت در اکثر رسانه های مهم آلمان منعکس شده.

نگاه واقعبینانه ای به ساختار سیاسی - اجتماعی جوامع اروپایی نشان میدهد با وجود رو به زوال گذاردن تبلیغات جنگ سردی و حملات گسترده به آرمان آزادی خواهی و برابری طلبی پس از سقوط دیوار برلین و علیرغم توجه دوباره این جوامع خصوصاً جوانان به ایده های مارکسیستی، کمونیسم هنوز به عنوان یک وزنه سیاسی این جوامع به شمار نمیرود. دلیل آن عدم حضور احزاب کمونیست کارگری در

این جوامع است. احزابی که به عقیده من، در همین فضای موجود و همین امروز قادر به کارهای بزرگی می بودند. احزابی از جنس حزب خودمان با کادرها و اعضای از نوع خودمان. در ایران اما وضع به این شرح نیست. دو تفاوت عمده وجود دارد. جامعه ایران هیچگاه مانند جوامع غربی هدف بمباران تبلیغاتی علیه سوسیالیسم قرار نگرفته برعکس امروزه شاهد عروج آزادی خواهی و برابری طلبی در ایران هستیم. مهمتر از این حضور سیاسی -

اجتماعی حزب کمونیست کارگری در ایران است. این حزب را با هیچ ترفند و تریکی نمی توان از محاسبات سیاسی ایران حذف کرد. این حزب خاصیتا مهر خود را بر همه تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه میکوبد. بحرانهای سرمایه داری سکانسهای هستند که در آنها شبخ سوسیالیسم خواه ناخواه احضار میشود. پیروزی سوسیالیسم در ایران اما به این شبخ کالبدی میدهد و آنرا به اصلی ترین پروتاگونیستهای سیاست در جهان بدل میسازد.

تلویزیون کانال جدید

Hotbird 8  
Frequency 12303 Mhz  
FEC 3/4  
polarization Vertical  
www.newchannel.tv

New Channel TV



## در پاسخ به نیاز امروز مبارزات مردم در ایران

داده است، و همچنین با نشان دادن نقش تعیین کننده حزب در موقعیت امروز مبارزات مردم، گفت حزب کمونیست کارگری ایران امروز تنها نیرویی است که می تواند مبارزات در ایران را رهبری

### نوید مینائی

حمید تقوائی لیبر حزب کمونیست کارگری بعد از شرکت در کنفرانس ده اکتبر و برگزاری جلسات متعدد سخنرانی در شهر های اروپا برای سخنرانی به گوتنبرگ سوئد آمد.



کند. حمید تقوائی افزود برای متحد کردن جامعه باید سیاست متحد کننده داشت، نه ناسیونالیسم، نه قوم پرستی و نه هیچ سیاست و پرچمی به جز انسانیت نمی تواند متحد کننده باشد و این حزب ماست که در هر مقطعی نماینده و پیشروی این سیاست بوده است.

وی در ادامه به تشریح سیاست حزب برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی پرداخت. بعد از سخنرانی حمید تقوائی به سوالات متعددی که شرکت کنندگان مطرح می کردند پاسخ داد. از جمله سوالات در مورد بحران کنونی سرمایه داری و دلایل آن، مذهب و مذهب زدایی از جامعه، جایگاه کنفرانس ۱۰ اکتبر لندن و سوالات متعدد دیگر بود.

کمیته شهری حزب در گوتنبرگ حمید تقوائی با اشاره به مشخصات و ملزومات حزب و نیروی رهبرکننده مبارزات و با اشاره به سیاست ها و فعالیت های حزب در دوره های مختلف، با نشان دادن اینکه حزب در هر مقطع مبارزه، پیشرو و پرچمدار مبارزات مردم بوده و گام بعدی را به مردم نشان

موضوع سخنرانی حمید تقوائی در پاسخ به نیاز امروز مبارزات مردم در ایران و در راس آن طبقه کارگر بود. "گامهای پیشروی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

- تامین رهبری مبارزات در گرو چیست؟  
- وحدت مردم چگونه تامین میشود؟

- مانع اصلی بر سر شکل گیری اعتراضات توده ای و انقلاب علیه جمهوری اسلامی کدامست؟  
حمید تقوائی با اشاره به وضعیت مبارزات مردم در ایران و پاسخ قاطعی که به جمهوری اسلامی برای سرنگونیش داده است، گام های بعدی پیشروی در مبارزه را تشریح کرد. تامین رهبری مبارزات را به عنوان یکی از ملزومات پیشروی و پیروزی مبارزات در ایران بر شمرده. حمید تقوائی با اشاره به مشخصات و ملزومات حزب و نیروی رهبرکننده مبارزات و با اشاره به سیاست ها و فعالیت های حزب در دوره های مختلف، با نشان دادن اینکه حزب در هر مقطع مبارزه، پیشرو و پرچمدار مبارزات مردم بوده و گام بعدی را به مردم نشان

## رژیم اسلامی عقب نشست! اعدام کودکان در ایران متوقف میشود!

اعدام بوده و با این عقب نشینی حکومت نجات می یابند از صمیم قلب تبریک میگویم. این يك پیشروی بزرگ برای همه ما است. ما میتوانیم با اعتراضات خودمان جان تعداد بیشتری را نجات دهیم. ما میتوانیم حکومت جنایتکار اسلامی را بیش از پیش عقب برانیم. باید متحدانه به پا خاست و علیه قتل عمد دولتی مبارزات گسترده تری را در پیش گرفت.

کمیته بین المللی علیه اعدام به همه فعالین علیه اعدام و به همه مردم در ایران و در سراسر جهان بدلیل تحمیل این عقب نشینی به حکومت جنایتکار اسلامی تبریک میگوید و دست همه این عزیزان را به گرمی میفشارد.

زنده باد جنبش جهانی علیه اعدام

مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۶ اکتبر ۲۰۰۸

را متوقف کند. ایران تنها کشوری است که رسماً کودکان را به قتل میرساند و در زندانهایش تا لحظه کنونی صدها کودک و نوجوان در انتظار اجرای حکم اعدام بسر میبرند. اعتراض به این جنایات در ایران و در دنیا بسیار گسترده بوده است و آخرین نمونه این اعتراضات، قطعنامه های جمعاعات روز جهانی کودک بود که در همه آنها به وضوح علیه اعدام کودکان صحبت شده و این جنایات شدیداً محکوم شده بود.

عقب نشینی جمهوری اسلامی ایران، يك پیشروی مهم برای جنبش علیه اعدام است. ما نباید بگذاریم حکومت اسلامی ایران به هر بهانه ای به قتل انسانها دست بزند. اعدام قتل عمد دولتی است و باید با مقابله و مخالفت گسترده و متحدانه بیشترین بخشهای مردم در ایران و در دنیا مواجه شود.

من از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام به خانواده هایی که فرزندان آنها در خطر اجرای حکم

روزیچشنبه ۱۷ اکتبر حسین ذبحی معاون قضایی دادستان جمهوری اسلامی به خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا گفته است: "متهمانی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال است با هر درجه از جرمی که مرتکب شوند، با استناد به قوانین موضوعه ایران، اعدام نخواهند شد بلکه به سایر مجازاتهای مقرر در قانون محکوم می شوند".

به گفته ذبحی، بر اساس بخشنامه ای که برای مراجع قضایی در سراسر ایران فرستاده شده، مجازات افراد زیر هیجده سال در مرحله نخست به حبس ابد کاهش خواهد یافت و در مرحله دوم نیز به ۱۵ سال حبس محکوم می شوند.

اینها یعنی اینکه جمهوری جنایتکار اسلامی که بیشرمانه کودکان و نوجوانان را به جو خه دار می سپرد، مجبور شده است زیر فشار اعتراض و نفرت مردم و اعتراضات بین المللی، يك گام عقب نشینی کرده و اجرای احکام اعدام کودکان و نوجوانان

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری ایران را بخوانید، و به دیگران معرفی کنید.

[www.abetterworld.blogfa.com](http://www.abetterworld.blogfa.com)



از طریق سایت های زیر به کتاب یک دنیای بهتر می توانید دسترسی پیدا کنید.  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
حزب کمونیست کارگری ایران  
آرشیو عمومی منصور حکمت  
[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

### از سایت های زیر دیدن کنید:

سایت رسمی حزب [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org) تلویزیون کانال جدید [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
جوانان کمونیست [www.cyoiran.com](http://www.cyoiran.com) ایسکرا کمیته کردستان حزب [www.iskraa.net](http://www.iskraa.net)  
سایت روزنه [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com) سازمان اکس مسلم [www.exmuslim.net](http://www.exmuslim.net)  
سایت کارگر ان [www.kargaran.org](http://www.kargaran.org) فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی [www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

## اخبار دانشجویی

### تهیه و تنظیم: کیان آذر



### بابل: ممانعت از انتخاب رشته

در جریان انتخاب رشته ی تکمیل ظرفیت در مقطع کارشناسی ارشد ، دو تن از فعالان دانشجویی ، در سال های اخیر ، موفق به این امر نشدند . علی تقی پور و عمید مشرف زاده ، دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل که امسال فارغ التحصیل شده اند ، متأسفانه در مرحله ی انتخاب رشته ی تکمیل ظرفیت کارشناسی ارشد از طریق اینترنت ، متوجه شدند که اسامی شان جهت تأیید کد کاربری و ورود به سایت مربوطه به منظور انتخاب رشته به سایت داده نشده است . با پیگیری های صورت گرفته و پرس و جو از سازمان سنجش ، معلوم شد که این افراد از طریق گزینش سازمان سنجش مورد قبول قرار نگرفته اند .

رودهن: ضرب و شتم دانشجوی دختر صبح روز پنج شنبه عابران کوچه دانشگاه رودهن شاهد درگیری ماموران انتظامات و یک دختر دانشجو بودند. این اتفاق ساعت ۱۱:۴۵ هنگامی رخ داد که یکی از کارمندان زن دانشگاه رودهن از یکی از دختران دانشگاه درخواست کرد تا کیفش را مورد بازرسی قرار بدهد، دختر دانشجو علت درخواست (جستجوی بدنی) را جویا می شود اما کارمند زن با لحن بدی از ارائه توضیح خودداری می کند. دختر دانشجو نسبت به این رفتار و اینکه چرا کسی که از ماموران حراست نیست، بدون ارائه دلیل قصد بازرسی بدنی از وی را دارد، اعتراض می کند. در نهایت دانشجوی دختر از دانشگاه خارج می شود، اما کارمند دانشگاه او را رها نمی کند و همچنان در حالی که دختر دانشجو از محیط دانشگاه خارج شده بود - او را تعقیب می کند. دختر دانشجو که متوجه تعقیب زن می شود وحشت زده شده و پا به فرار می گذارد،

به محرومیت دائم از خوابگاه محکوم شده اند.

گفتنی است که دانشجویان امین ریاحی، مهدی خسروی و حمید رضا امیرخانی روز ۹ شهریور ماه در شهرهای بجنورد شیروان و کرج توسط مامورین امنیتی بازداشت و آنها را به بازداشت اداره ا اطلاعات منقل کرده اند.

### یزد: محرومیت برای چهار دانشجو

سه نفر از دانشجویان دانشگاه یزد به همراه افشین اکبریان دانشجوی طنز نویس و مدیرمسئول نشریه طنز هیس با رای ستاد رد گزینش سازمان سنجش از تحصیل در مقطع ارشد محروم شدند! اکبریان که از فعالین کانون های فرهنگی دانشگاه یزد است همچنین از اعضای هیئت موسس کانونی بود که قرار بود با عنوان کانون طنز در دانشگاه یزد فعالیت کند اما با کارشکنی مسئولان دانشگاه یزد در نیمه راه با تشکیل آن مخالفت شد! در دانشگاه یزد همچنین دانشجویان دیگری به شیوه های مختلف از ادامه تحصیل منع شده اند!

محسن وفایی و مجید حیدری دانشجویانی هستند که اخیراً به اتهام شرکت در تجمع اعتراضی در اعتراض به محرومیت دختران از خوابگاه به این کمیته احضار شده اند. محسن وفایی سردبیر و مدیر مسئول نشریه دانشجویی بیان آزاد برای بار دوم است که به کمیته انضباطی احضار می شود. و مجید حیدری دانشجویی در شرف فارغ التحصیلی دانشکده ادبیات می باشد قبل از این احضار ها نیز بیش از سی نفر از دختران به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی برای درخواست حق خود مبنی بر داشتن خوابگاه به کمیته انضباطی دانشگاه فراخوانده شده بودند که بسیاری از آنها با احکام تعلیق مواجه شده اند.

### یزد: احضار سی فعال دانشجویی

به دنبال تعطیلی خوابگاه هرنی دختران دانشگاه یزد، تعداد زیادی از دانشجویان دختر بدون هیچ دلیلی از خوابگاه محروم شدند. دانشجویان در اعتراض به محرومیتشان از خوابگاه در اقدامی هماهنگ تحصنی چند ساعته در دانشگاه نامبرده برگزار کردند. اما مسئولین دانشگاه نه

تنها به خواست به حق این دانشجویان که برخورداری از خوابگاه و امکانات رفاهی دانشگاه است اعتنایی نکردند بلکه بیش از سی نفر از دانشجویان شرکت کننده در تحصن دانشجویی اخیر را به کمیته انضباطی احضار کرده اند. گفتنی است که کلاتری دبیر کمیته انضباطی دانشگاه یزد تا کنون حکم تعدادی از این دانشجویان مبنی بر منع موقت از تحصیل به مدت یک نیمسال را صادر کرده است.

دانشجویان در تحصن اعتراضی خود خواستار بازگشایی خوابگاه هرنی و بازگشت خود و دوستانشان به خوابگاه شده و هم اکنون نیز بسیاری از آنها به این وضعیت و احضار و صدور احکام انضباطی معترض هستند.

### تجمع اعتراضی دانشجویان نجف آباد

روز یکشنبه ۲۱ مهر ماه، دانشجویان دانشگاه ازاد نجف آباد که از شهرهای اصفهان، نجف آباد، همایونشهر (خمینی شهر)، ویلاشهر، تیران و سایر شهرهای اطراف به صورت روزانه به این مرکز تردد می کنند نسبت به گران شدن بلیط اتوبوس ها و نامطلوب بودن آنها دست به اعتراض گسترده ای زدند. تعداد نزدیک به ۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته های مختلف این دانشگاه مقابل در ورودی این واحد آموزشی ایستادند و مانع از عبور و مرور وسایط نقلیه به درون و بیرون این دانشگاه شدند.

این تجمع بلافاصله به حضور نیروهای پلیس نجف آباد انجامید و موجب ترافیک سنگین ماشین های عبوری شد. به گفته دانشجویان تا زمانی که مشکل گران شدن بلیط حمل و نقل اتوبوسها در این واحد حل نشود، آنها حاضر به استفاده از ناوگان عمومی نبوده و مانع از تردد این قبیل وسایط نقلیه عمومی به دانشگاه خود خواهند شد. معترضان اعتقاد دارند تا زمانی که دانشگاه آزاد شهریه های سنگینی از آنها مطالبه می کند، باید علاوه بر سرویس دهی مطلوب، قیمت خدمات جانبی خود را در سطح معمول نگهداشته و از افزایش روزافزون و بی رویه هزینه های دانشجویان خودداری نمایند.

### بی خبری از وضعیت حسین رحمانی

حسین رحمانی ، دانشجوی دانشگاه آزاد

کرج که در منزل مسکونی خود در شهر کامیاران در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ بازداشت شده بود . از سوی دادگاه انقلاب شهر سنجند به تحمل ۶ سال حبس تعزیری محکوم گردید. هرچند اتهام نامبرد اقدام علیه امنیت ملی ذکر گردیده است اما از جزئیات اتهام وی که بعنوان مددکار اجتماعی در سازمان بهزیستی نیز فعالیت مینمود اطلاعیه در دست نمی باشد. آقای رحمانی مدت طولانی را در سلولهای انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر سنجند به سر برده است و همچنین فاقد وکیل مدافع می باشد.

### اخراج سه تن از اساتید در اندیشهک

سه تن از اساتید عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد اندیشهک که پیشتر حمایت خود را از دانشجویان دانشگاه زنجان و تحصن آنان اعلام نموده بودند اخراج شدند. اساتید اخراجی به نامهای ، آرزو رحیم خانی ، ایوب حیدری و حمید ایزدمتش از اساتید نمونه و محبوب این دانشگاه محسوب میگردیدند. همچنین گزارش گردیده است ، کلاسهای بسیاری از اساتید حق تدریسی در دانشگاه مذکور بنا به دلایل نامعلوم منحل گردیده است ، البته موضوع اخراج اساتید مذکور نیز مورد اطلاع رسانی قرار نگرفته و به دانشجویان عنوان گردیده است که آنان در مرخصی به سر می برند.

### تجمع دانشجویان دانشگاه پیام نور

جمعی از دانشجویان دانشگاه پیام نوردر واحد تهران مرکز، در اعتراض به مشکلات صنفی خود در محل این دانشگاه تجمع کردند. ضعف مدیریتی، برگزاری کلاس های دانشگاه در مکان های مختلف همچون منطقه دور کوهسار و همچنین در برخی مدارس، ورود بیش از حد و خارج از ظرفیت دانشجو، پایین آمدن اعتبار دانشگاه و کاهش کیفیت آموزش، تستی بودن سوال های امتحانات پایان ترم بوده که قرار بوده تشریحی شود تا کیفیت آموزش و امتحانات بالا برود ، دلایلی هستند که دانشجویان در اعتراض به آن

## نگاهی به اخبار علمی هفته گذشته

### تنظیم: کیان آذر چند خبر از مریخ!



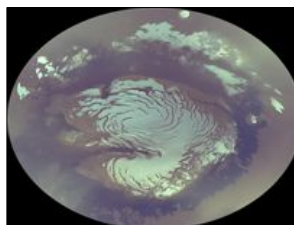
کاوشگر فینیکس که در سطح مریخ مشغول مطالعه است در آسمان این سیاره دانه های برف مشاهده کرده است. این کاوشگر با استفاده از یکی از ابزارهای خود سرگرم بررسی ابرهای مریخی بود که ریزش کریستال های بزرگ یخ از آسمان را رؤیت کرد. اما این ابزار که با منعکس کردن لیزر بر ذرات موجود در آسمان کار می کند، به زمین افتادن دانه های برف را ندید. داده ها حاکیست که برف پیش از رسیدن به سطح بخار شد؛ فینیکس مشغول بررسی این موضوع است. جیم وایتوی از دانشگاه یورک در تورنتو که مدیریت ایستگاه هواشناسی فینیکس را به عهده دارد گفت: ما در چند ماه آینده به دقت در جستجوی شواهد افتادن دانه های برف بر سطح مریخ خواهیم بود. او افزود: این یک عامل خیلی مهم در چرخه هیدرولوژیکی مریخ، با جابجایی آب میان سطح و اتمسفر مریخ است.

در دشتی باز قرار گرفته که فاقد هر گونه مشخصه ژئولوژیکی است که در اثر جریان آب شکل گرفته باشد.

ماموریت فینیکس قرار بود اصلا تنها ۹۰ روز مریخی به طول انجامد اما این ماموریت اکنون برای مدتی بی پایان تمدید شده است - نه اینکه مهندسان انتظار ادامه حیات کاوشگر برای مدتی طولانی را داشته باشند. این کاوشگر اکنون انرژی خورشیدی کمتری جذب می کند و باید برای گرم نگاه داشتن سیستم هایش انرژی بیشتری صرف کند. همچنین انتظار می رود توانایی فینیکس برای جمع آوری نور خورشید نیز به شدت مخدوش شود که ناشی از نشستن دی اکسید کربن بر صفحات خورشیدی است. با پیش بینی های کنونی این کاوشگر احتمالا در پایان نوامبر یا اوایل دسامبر از کار خواهد افتاد.

### مریخ یا قطب جنوب زمین؟!

کاشفان و دانشمندان از استرالیا مستقر



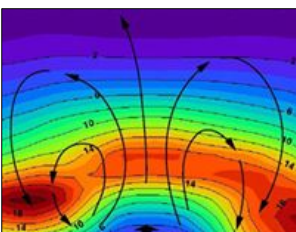
در پایگاه های تحقیقاتی در اعماق قطب جنوب ممکن است به زودی راهی سیاره مریخ شوند. مسئول هیئت پزشکی اکتشافات قطبی در استرالیا می گوید: «سپری کردن ۹ ماه از سال در فضای یخ زده قطب جنوب، بدون هیچ راهی برای گریز، جسم و روح این افراد را کاملا دگرگون می کند.» دس لاگ می افزاید: «بازگشت از کره مریخ به زمین ساده تر و سریع تر از خروج از قطب در ماه های زمستان است.» به گفته وی، همین حالت زندگی منزول و دورافتاده در یک محیط بسته، دانشمندان و کاشفان استرالیا را به افرادی مناسب برای ماموریت های طولانی فضایی بدل می کند. از سال ۱۹۹۳ ناسا، در یک

در چند هفته اخیر بزرگتر شده و اکنون از بزرگترین اندازه این حفره در سال ۲۰۰۷ نیز وسیعتر شده است.» این حفره که بر فراز قطب جنوب در جو کره زمین قرار دارد ابتدا در سال های دهه ۱۹۸۰ کشف شد. معمولا این حفره در ماه اوت تشکیل می شود و در اواخر ماه سپتامبر یا اوایل اکتبر به بزرگترین اندازه خود می رسد و بعد در اواسط ماه دسامبر بسته می شود. معمولا ابعاد این حفره معلول شرایط جوی است. کارشناسان جوی می گویند صدمه ای که به لایه اوزون وارد شده آن چنان جدی است که حتی در صورت انجام اقدامات مناسب ترمیم آن حدود ۷۰ سال طول خواهد کشید. جیر براتن، از کارشناسان ارشد لایه اوزون در سازمان بین المللی هواشناسی به خبرگزاری «فرانس» گفت: چندین دهه طول خواهد کشید تا وضعیت لایه اوزون به حالت قبل از دهه ۱۹۸۰ بازگردد. ابعاد حفره لایه اوزون روز سیزدهم سپتامبر امسال مساحتی در حدود ۲۷ میلیون کیلومتر مربع ارزیابی شد در صورتی که طبق یافته های سازمان بین المللی هواشناسی اندازه این حفره در سال ۲۰۰۷ حدود ۲۵ میلیون کیلومتر مربع بود. در بیانیه این سازمان گفته شده است: با توجه به اینکه حفره در لایه اوزون هنوز در فصل گسترش است فعلا نمی توان در مورد اندازه کامل آن در سال جاری دقیقا اظهار نظر کرد. لایه اوزون در حقیقت یک فیلتر یا پوشش طبیعی در مقابل اشعه زیانبار ماورای بنفش خورشید است که برای گیاهان مضر است و در انسان ها می تواند باعث سوختگی یا حتی سرطان پوست شود. عوامل اصلی بوجود آورنده این حفره غیر از سرمای شدید در نقاط مرتفع سطح زمین، چند نوع گاز سمی و آلاینده است که معمولا در موتور یخچال، برخی مواد پلاستیکی و عطر افشان های خانگی از آن استفاده می شود. این آلاینده ها به مرور در جو زمین متمرکز یافته و در اثر مجاورت به لایه اوزون صدمه می زند. طبق قراردادی که در سال ۱۹۸۷ در مونتreal کانادا به امضاء رسید استفاده از این گازها که از خانواده

برنامه مشترک با موسسه تحقیقاتی قطب جنوب در استرالیا، مشغول بررسی وضعیت سلامتی و پزشکی افرادی است که در این پایگاه های قطبی کار و زندگی می کنند. جف آیتون، مسئول پزشکی پایگاه های قطبی استرالیا، می گوید: «این مراکز، دور افتاده ترین نقاط روی کره زمین هستند و افراد ساکن آن ۹ ماه از سال را بدون هیچ تماس واقعی با جهان خارج سپری می کنند.» به گفته وی، این پایگاه های قطبی، موارد مناسبی برای آزمایش های لازم در مورد سفرهای فضایی و بررسی واکنش های جسمی و روحی افراد به شرایط انزوا و سفرهای طولانی هستند. آقای آیتون می افزاید: «شرایط این پایگاه ها از لحاظ تکیه یک جانبه افراد به تکنولوژی برای برآورده کردن تمام نیازهای کاری و زندگی روزمره با فضاییها و ایستگاه های فضایی شباهت بسیاری دارد.» وی اضافه کرد: سال ها فعالیت پژوهشگران استرالیایی در این مراکز، تجارب مفیدی را در زمینه سلامتی و تحقیقات پزشکی فراهم آورده که برنامه ریزان سفرهای فضایی به مریخ و سیارات دیگر می توانند از آن استفاده کنند.

### حفره لایه اوزون بزرگتر شده است

سازمان بین المللی هواشناسی روز سه شنبه اعلام کرد که ابعاد حفره لایه



اوزون در جو کره زمین کمی از سال ۲۰۰۷ بزرگتر شده ولی بعید است به اندازه دو سال پیش برسد. سازمان بین المللی هواشناسی در بیانیه ای که در ژنو، مرکز این سازمان، منتشر شد گفت: «در سال ۲۰۰۸ حفره لایه اوزون کمی دیرتر از موعد معمول هویدا شد. با این وجود ابعاد این حفره

کلروفلوو کرین هستند، ممنوع شد اما آن چه که قبل از آن مصرف شده هنوز در جو زمین سرگردان است.

### افزایش بی سابقه دمای زمین

بر پایه پژوهشی که به تازگی صورت گرفته، در دهه منتهی به سال ۲۰۰۶ گرمای نیمکره شمالی دست کم در طول ۱۳۰۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. این پژوهش که از سوی یک پروفیسور دانشگاه آریزونا و شش پژوهشگر دیگر صورت گرفته، قرار است هفته آینده در نشریه «پیشرفت های آکادمی ملی دانشمندان» منتشر شود. این گروه پیش از این نیز طی دو گزارش گرمای کنونی نیمکره شمالی را با چند صد سال پیش مقایسه کرده بودند. از آنجا که در این پژوهش از داده های بیشتری بهره گیری شده، این محققان می گویند یافته های آنها بیش از تحقیق های پیشین قابل اعتماد است. دو پژوهش پیشین با بهره گیری از آنچه که نمودار «چوب چوگان» نام گرفت، نشان داده بود که دمای زمین در سال های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است. با انتشار نتایج دو پژوهش پیشین، پژوهشگران این گروه در سطح جهانی به شهرت دست یافتند. با این حال انتشار این دو گزارش بدون جنجال نبود و حتی کنگره ایالات متحده مقرر کرد که درباره این گزارش ها تحقیق و تفحص شود. در سومین گزارش این گروه آمده است که میانگین دما در دهه اخیر دست کم، کمی بیش از نیم درجه سانتی گراد بیشتر از میانگین رکورد دمای ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش است. بر پایه این گزارش حتی به احتمال زیاد میانگین دمای دهه اخیر از میانگین ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش، در حدود یک درجه بیشتر باشد. مالکوم هاگز، کارشناس «تشخیص تغییرات آب و هوایی از الگوی رشد گیاهان» در دانشگاه آریزونا است که در این گروه پژوهشی کار کرده است؛ به گفته هاگز، این تحقیق یک «آجر» از



## پاکستان، قتلگاه زنان

سولماز سعیدی



گهگاهی در خلوت با خود بگویند: که زن چقدر بدبخت است.

اما این صدا نباید بلند شود و اگر صدای اعتراض به گوش حتی پدر، شوهر، برادر و ... برسد. آن را زنی سرکش و خراب نامیده و آیندهای بهتر از سیره نصرت بی بی و یا دختران و زنانی که در برابر حق خود ایستادند و جز مرگ را به آنها روا ندانستند، در انتظارشان نیست.

«سیره نصرت بی بی» یک دختر ۱۷ ساله پاکستانی بود. سیره از ۹ سالگی مجبور شده بود که با مردی ۴۵ ساله ازدواج کند. او برای نجات و رهایی خود از این ازدواج اجباری تلاش و فعالیت میکرد. به دادگاههای متعددی مراجعه کرده بود. زیرا او نمیخواست مانند دختران مجبور دیگر در برابر این ظلم سر خم کند و یا بنا به اعتراضی خود را به آتش بکشد اما هنگام خروج از دادگاه شهر ساهی وال در استان پنجاب در محاصره گروهی مرد درآمد که به وسیله والدین او اجبر شده بودند. مزدوران در مقابل چشم ماموران پلیس سیره را به گلوله بستند.

سیره نه اولین و نه آخرین قربانی قتل های ناموسی در پاکستان بود این داستان همچنان با سرعت و خشونت ادامه دارد.

همانطور که ماجرای زنده به گور کردن ۵ زن به خاطر حق انتخاب همسر، به یکی از خبرهای داغ و بحث برانگیز در پاکستان تبدیل شد. مبارزه در برابر آزادی زنان در پاکستان تا این حد پیش رفته.

این قتل ناشی از ناموس پرستی در روستایی دور به نام "بابک کوت" که ۳۰۰ کیلومتر با مرکز استان (کوئته) فاصله دارد رخ داد. قربانیان این قتل ۳ دختر در سنین ۱۶ تا ۱۸ سال بودند. دو دختر نوجوان محصل که در کلاس ها ۱۰ تا ۱۲ درس می خواندند. دو زن دیگر که یکی عمه فوزیه نام داشت و

دیگری مادر یکی از دختران نیز قربانی این جنایت شوم شدند. همه این زنان در خانه ای واقع در همین روستا جمع شده بودند برای رفتن به دادگاه مدنی واقع در شهر اوستا محمد تا سه دختر بتوانند با مردانی که دوست دارند، ازدواج کنند و این تصمیم آنها بعد از روزهایی سخت و رودر رویی با خانواده برای این موضوع و مخالفت خانواده بوده است.

وقتی خبر نقشه آن ها به گوش دیگران رسید، عبدالستار عمرانی - برادر کوچک صدیق عمرانی، از استادان و یکی از رهبران برجسته حزب مردم پاکستان (حزب حاکم)، - همراه با شش نفر به آن جا رفتند و آن ها را با زور اسلحه سوار جیبی با پلاک اتومبیل های دولتی بلوچستان کردند و به منطقه دوردست "نوابادی" در حوالی "بابک کوت" بردند. بعد از رسیدن به آنجا، عمرانی و دیگر همدستانش سه دختر بیگناه را که تنها به دنبال زندگی آزاد و انتخاب همسر دلخواه خود بودند، را به زور از داخل ماشین بیرو کشیده و مورد آزار و خشونت فیزیکی قرار دادند. بعد از این شکنجه های حیوانی به آنها شلیک کرده و اجساد غرق خون و نیمه جان آنها خاک کردند. آنها هنوز زنده بودند. نفس میکشیدند و ناله میکردند و شاید به این می اندیشیدند که آیا واقعا گناه کرده بودند که خواهان انتخاب همسر دلخواه و زندگی آزاد بودند که روی آنها را با سنگ و خاک پوشاندند و چشمان پر از امید به زندگی را برای همیشه با سنگ و خاک ظلم پوشاندند. دوزن مسن وقتی برخورد وحشیانه این جانوران با دختران را دیدند، در عین حال شاهد بودند که این دختران هنوز زنده اند، برای نجات این دخترها تلاش کردند. اما عمران و همراهانش با سقاوت و بیرحمی بی نظیری آن دو را نیز به داخل گودال هل دادند و آنها را نیز زنده زنده زر آواری از خاک کرده و نفس و زندگی آنها را نیز گرفتند.

عبدلستار عمرانی، برادر وزیر در قتل سه نفر دیگر از جمله زن جوانی در ژانویه ۲۰۰۶ دست داشته است. آن مورد هم مثل این بار به یک معلم مدرسه به نام محمد اسلام مربوط می شده که با زنی که دوست داشته است به دادگاه می رفته تا ازدواج کنند. قاتلان آن ها را در "مانجوشوری" از مناطق "تومبو" در نصیرآباد متوقف کردند و هر سه نفر را با اسلحه کشتند. راننده تاکسی، جلال آیدی، هم یکی از این سه نفر بوده است. پلیس تا هنگام مداخله آقای افتخار چودری، رئیس معزول قوه قضاییه و معاون سخنگوی سنا، پنج ماه نتوانسته بود، پرونده قتل را باز کند. اما فقط یک نفر بازداشت شد و عبدالستار عمرانی آزاد ماند.

اسرار اله ظاهری نمایند مردم بلوچستان در پارلمان پاکستان گفت این کار کاملا درست و به جا بوده و در میان مردم ما رسم است که دختران با همان کسانی که والدین شان به آن ها پیشنهاد می کند ازدواج کنند نه این که آن ها مخالفت کرده و همسر آینده شان را خودشان انتخاب کنند این نوع مجازات ها درس عبرتی می شود برای دیگر زنان قبیله ما که با رسم و سنن قبیله ای خود مخالفت نوزند. پشت این خشونت ها و قتل های ناموسی مذهب و مردسالاری خوابیده است. بیشتر این خشونت ها و قتل ها به دلیل آنچه که صیانت از شرافت خانواده شان می نامند،

صورت گرفته است. رفتارهایی چون داشتن روابط نامشروع، صحبت کردن با مردان و یا قرار ملاقات با آنها، قربانی تجاوز شدن، و حتی ضعف در مهارت آشپزی و نازا بودن و یا دختر زار بودن از دید بسیاری از مردان پاکستانی، زنان را مستحق مرگ می کند. مذهبی که حکم میدهد قتل زن خاطی، حیثیت خانواده را حفظ می کند.

در مورد خشونت و قتل زنان در پاکستان آمار واقعی وجود ندارد. بسیاری از زنان قربانی به دلیل ترس از خشونت های بیشتر یا بی آبرویی

خانواده و غیره فجایع و اتفاقات و بلاهایی که برشان میاید را گزارش نمیکند. شکایت نمیکند. با این حال آمارهای رسمی دولتی از قتل زنان تکان دهنده است.

بنا بر آماری که وزارت کشور پاکستان منتشر کرده است در چهار سال اخیر ۲۷۷۴ زن و ۱۳۲۷ مرد قربانی "قتلهای ناموسی" شدند. دفتر کمیسیون حقوق بشر در پاکستان اعلام کرد، شمار قتل های ناموسی این کشور نسبت به سال گذشته، ۲۵ درصد رشد کرده است. آمار تجاوز خانگی در پاکستان از این نیز بیشتر است. طی سال گذشته ۵۷۲ مورد تجاوز در محیط خانوادگی گزارش شده که صرفاً به قصد تنبیه صورت گرفتند.

قتل تنها خشونت نیست که گریبان زنان در پاکستان را گرفته است. پاکستان به عنوان مراکز اصلی قاچاق زنان و دختران در دنیا و خاورمیانه معرفی شده است. بسیاری از دختران در پاکستان توسط باندهای قاچاق با انواع حيله ها ربوده یا خریده میشوند و به خارج از پاکستان برای کار تن فروشی صادر میگردند.

میلیونها زن در پاکستان با مشکلاتی جدی از قبیل ازدواج های اجباری، قتل های ناموسی، گروهکشی زنان و دختران در قتل های خانوادگی، خودکشی دختران و افزایش طلاق روبرویند.

سنت های پوسیده اسلامی زیر وحشت طالبانی ها از یکسو و ارگان ها و نهادهای دولتی از سوی دیگر همچنان در پاکستان قربانی میگیرد. اسلام یکی از مهمترین عامل خشونت نسبت به زنان است. هنوز در پاکستان جریان رادیکال و لائیک که در دفاع از حقوق زنان این سنت ها و ارکان مذهبی و دولتی را زیر ضرب نقد و انتقاد برد وجود ندارد. در نبود چنین جریان و افقی خشونت به زنان در پاکستان متأسفانه همواره افزایش میابد.

زنان در پاکستان بخصوص در مناطق قبائلی حتی از ساده ترین حق خود خبر ندارند و نه حتی به آنها داده میشود. بیش از ۵۲ درصد از کل جمعیت ۱۶۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفری پاکستان را زنان تشکیل می دهند.

سنت های عقب مانده و پوسیده اسلامی که با حمایت دولتی همراه است، عملاً پاکستان را به قتلگاه وسیع زنان تبدیل کرده است. هزاران زن پاکستانی سالانه گرفتار انواع خشونت های فیزیکی میباشند. خشونت های گسترده به زنان گاه حتی در خبرها نیز نمایاند.

عده زیادی از مردان هنوز در هزاران سال پیش سیر میکنند و دشمنی دیرینه با زنان در تاریخ این نوع جوامع داستانی حقیقی و دردناک است

بارها با به دنیا آمدن دختری مادران را آزار و اذیت می کنند و مانع از شیر دادن به نوزاد میشوند و گشنگی باعث میشود که نوزاد بمیرد... این جنایت با زنده به گور کردند نوزادان دختر در سالیان دور هیچ فرقی ندارند.

از دوران نوزادی دشمنی با دختران شروع میشود تا زمانی که زن میشوند.

متأسفانه به خاطر جامعه ای که زنان در آن بزرگ میشوند حتی ستم بر خود را روال زندگی میدانند و خبری از حقوق خود ندارند و شاید

**"پیروزی شادمانه تر..."**

۳۰۰ نفر از متفکران و روشنفکران و فعالین سرشناس در لندن جمع شده اند و چنین رادیکال و سازش ناپذیر علیه مذهب، علیه قوانین مذهبی، علیه مدارس مذهبی، در محکومیت الصاق هرگونه هویت مذهبی به کودکان، در محکوم کردن خصلت زن ستیزانه و ضد بشری مذهب و غیره حرف زده اند، کی بود؟ قطعاً در این سالهای سیاه و طولانی نظم نوین جهانی و جولان دادن پست مدرنیسم و تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی چنین اتفاقی نیفتاده است. بویژه که در مرکز این نقد ریشه ای و صریح از مذهب، اسلام قرار داشت که سلاح ترور و مرگ را برای حفاظت از الله و قرآنش برافراشته و علاوه بر مباحثات دول غربی و پول جمهوری اسلامی و عربستان و غیره حمایت برخی چپ های مالیخولیایی را هم دارد. برای ما که به جنگیدن با اسلام سیاسی عادت داریم شاید عظمت کنفرانس ۱۱۰ اکتبر هنوز زیاد محسوس نباشد، اما برای ستون نویس گاردین پدیده ای "نادر و شورانگیز" و "پیرومند" است. در مورد اهمیت و اثرات این کنفرانس باید بیشتر نوشت. فعلاً به نگاه "ای. سی گری لینک" در گاردین توجه کنید.

**آزاد برای اندیشیدن****ای. سی گری لینک****گاردین، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸****ترجمه بابک کسرائی**

جمعی گذشته، ۱۰ اکتبر، (که روز جهانی علیه مجازات اعدام بود) از امتیاز نادری برخوردار شدم و در تجمعی از اشخاصی شجاع و با اصول شرکت کردم که در چند کشور در سراسر دنیا می توانند بخاطر باور و یا بی باوریشان به مجازات مرگ محکوم شوند. این کنفرانسی بود که شورای اکس مسلمهای بریتانیا سازمان داده بود و موضوع بحث، ارتداد - "جرمی" که تمام اعضای

شورا مرتکب شده اند - و مسائل مربوط به آن در مورد جایگاه مذهب و اندیشه‌ی آزاد در جامعه مدنی بود. اعضای شورای اکس مسلمها فکر خود را کرده اند و مذهبی را که در کودکی به خوردشان داده بودند کنار گذاشته اند (ویژگی غالب دستیابی به خرد در بزرگسالان) اما در این مورد، آن مذهب اسلام است که مجازات ارتداد را اعدام می داند.

در این فکرم که از کسانی که این مطلب را می خوانند چند نفر در جمعی نشستماند که بسیاری از آن ها به مرگ تهدید شده اند چون برای خودشان فکر می کنند و راهی انتخاب کرده اند که نه فقط از نظر شخصی خطرناک است بلکه برای خانواده و جوامع شان نیز پر از مشقت است - و این کار را بخاطر اصولی انجام داده اند که عاقلانه انتخاب کرده اند. تجربه ای است تکان دهنده. در مذاکرات نسبتاً صلح آمیز و بامداری غربی ما اختلاف بر اصول کمتر تا پای قتل می کشد؛ و به همین خاطر است که بعضی ها نمی توانند بفهمند تجمع جمعی گذشته چه اهمیتی دارد.

پیغام نمادین کنفرانس بینظیر بود؛ مفهوم مباحثات جذاب و مهم بود. موضوع بر سر ماهیت ارتداد، آزادی انتخاب در داشتن مذهب و انتقاد از مذهب بود؛ و این مسئله که آیا باید قانونی یکسان برای همه داشته باشیم یا اقلیت مسلمان بریتانیا باید بتواند قانون شریعه را در مورد خودش بکار ببندد؛ و البته مسئله مدارس مناهب، آموزش مذهبی و تئوری آفرینش. این موضوعات همه به جایگاه فرد در جامعه مدنی برمی گیرند و این موضوع که آموزه های مذهبی باید بتوانند خود را بر کسانی که چنین نمی خواهند یا مثل کودکان قدرتی در مقابله با آن ندارند، تحمیل کنند یا نه.

کنفرانس را رئیس انجمن سکولار ایران، فریبرز پویا، افتتاح کرد و مریم نمازی، سخنگوی فوق العاده و شجاع شورای اکس مسلم های بریتانیا سخنرانی افتتاحیه را ایراد کرد. مریم به اسلامیس

- اسلام سیاسی - حمله کرد و گفت که این جریان، عامل دولت های اسلامی است و می تواند تاثیرات بسیاری بر زندگی، حقوق و آزادی های افراد بگذارد در حالی که بسیاری از این افراد کشورهای خود را دقیقاً به این خاطر ترک کرده اند که از دست جو سرکوب گر سیاسی و اجتماعی آن بگریزند - کشورهایی که "پلیس اخلاقی" دارند و مجازات اعدام را از جمله برای هم جنس گرایان، عشاقی که بیرون ازدواج رابطی جنسی دارند و کسانی که مذهب را زیر پا می گذارند، اعمال می کنند.

یک موضوع ناراضی تری بسیاری این است که آن ها را جز "جامعه ای مسلمان" حساب می کنند که سخن گویان خود گمارده اش بیشتر نماینده ی همان دولت های اسلامی هستند که بسیاری از "جامعه ای مسلمان" از آن ها گریخته اند؛ و به این خاطر است که شورای اکس مسلمها (مسلمانان سابق) این نام را بر خود گذاشته است. تا بر این نکته تأیید کند که همهی کسانی را که در جامعه ای مسلمان به دنیا آمده اند نباید تا ابد به عضویت همگون چنین جامعه ای محکوم کرد. دلیل دیگر تشویق بسیاری از "مرتدین" پنهان در جامعه است که زندگی و کمک در هنگام سختی، بیرون این جامعه هم موجود است.

از جمله سخنرانان می توان به ابن وراق، جوان اسمیت، ریچارد داو کینز و مینا احدی، بنیانگذار شورای اکس مسلمهای آلمان، اشاره کرد. مینا همانند مریم نمازی زنی فوق العاده و قابل تحسین است. این واقعیت که زنان پیشگام این جنبش های بسیار مهم و شجاعانه شده اند خود از واقعیتی دیگر خبر می دهد: از افسانه ی لیسیستراتا تا جنبش صلح زنان در ایرلند شمالی علیرغم تمام موانع و تعصباتی که زنان تاریخاً با آن مواجه بوده اند، آنان رهبران و نمونه هایی بوده اند که مخالفین خود را شرمگین ساختند.

این کنفرانس مورد حمایت انجمن سراسری سکولار و انجمن اومانیسیت بریتانیا هم بود و در نتیجه چندین و چند

اکس مسلم حاضر از حمایت بیش از ۲۰۰ نفر دیگر هم برخوردار بودند که به حق افراد برای اندیشیدن معتقد هستند و به مردم همچون افراد انسانی برخورد می کنند و نه فقط صاحبان برجسب های هویتی غالبی که سنت و مذهب به پیشانی شان چسبانده است. یکی از دوستانم که قاضی دادگاه سلطنتی است یکبار به من گفت که وقتی می بیند عضوی از هیئت منصفه خود حرفش را می زند و بر انجیل قسم نمی خورد همیشه خشنود می شود چون نشان از استقلال و بلوغ ذهنی می دهد. دقیقاً همین طور است: جمعی گذشته در کانونی حال شاهد چنین نمایشی بودیم.

یکی از سخن گویان کنفرانس، دوست من ابن وراق، اخیراً کتابی در مورد ارتداد در اسلام منتشر کرده است که بررسی علمی نظریات در مورد ارتداد در مکاتب مختلف قانون اسلامی را با مجموعه ای از شهادت شخصی قرتمند کسانی که اسلام را به قصد مذهبی دیگر یا بی مذهبی ترک کرده اند، ترکیب می کند. مقایسه ی روایات این کتاب با کتاب لوئیس آنتونی، فلاسفه ی بی خدا (که روایاتی مشابه از مسیحیان سابق و یهودیان سابق است) جالب بود. هزینه ی شخصی کنار گذاشتن نظریات تمام این مذاهب، از لحاظ خانواده و جوامع، بسیار مشابه است؛ تنها در اسلام است که هنوز خطر قتل به این خاطر پارچاست.

اما موضوع وحشتناک اینجاست که این خطر واقعی است. به این خاطر است که بعضی سخنرانی های کنفرانس و بعضی اظهارات ناظرین پر از شور و شوق و احساس مسئولیتی بود که هم واقعی بود و هم تکان دهنده. یکی از مسائل مهمی که چندبار در موارد متعدد مطرح شد، جایگاه زنان در اسلام بود. به یک مورد توجه کنید: در قانون شریعه زن نصف مرد ارزش دارد و به همین علت از جمله نصف مرد ارث می برد. این نیز مثل سایر بندهای قانون شریعه نمونه ی واضیحی از اختلاف این قوانین با قانون انگلستان و ولز و قانون اسکاتلند است

که در هر دوی آن ها اصول عدالت تبعیض نظام مند بر پایه ی جنسیت را ممکن نمی دارد. با ضروریات سرکوبگرانه ی پیروی از قوانین جوامع، بسیاری از زنان در جوامع مسلمان بریتانیا مجبور به اطاعت از قوانینی هستند که جوامع شان ترجیح می دهد؛ این در مورد موضوعات بسیاری صدق می کند از این که با که ازدواج کنند تا این که چه پیشوند.

استقرار دادگاه های قانون شریعه اغلب به این معنی خواهد بود که آن ها باید درد بی عدالتی و تبعیض عمیق را تحمل کنند. همچون ختنه یا قتل های ناموسی که در بسیاری جوامع اجرا می شود و نباید تحمل شود؛ نسبیست - که متأسفانه تأییدی است بر دیدگاه های امثال روان ویلیامز در این موضوع است - در این جا نباید جایگاهی داشته باشد.

تمام آنچه در این کنفرانس مهم و تکان دهنده مورد بحث قرار گرفت واقعی بود: زندگی های واقعی مورد تهدید مرگ، تبعیض، اجبار و برجسب خوردن بودند - و این همه به این خاطر که کسانی برای خودشان فکر کرده بودند؛ حقی که تمام ما تضمین شده می دانیم و وقتی تهدید می شود با تعصب از آن دفاع می کنیم. مراسم روز جمعه، آرام و غیررسمی بود و حال و هوای آرام و راحتی داشت؛ اما هیچ کس در آن جمع حاضر نبود که لحظه ای به این فکر نیافتاده باشد که این موقعیت خوبی برای دیوانه ای است که در یک انفجار بزرگ یک دفعه از شر کلی مرتد و آتنیست خلاص شود.

نکته ی عالی اینجاست که اگر این اتفاق می افتاد کنفرانس به پیروزی رسیده بود. اما بهر حال کنفرانس پیروز شد و این پیروزی بسیار شادمانه تر بود؛ پیروزی برای حامیان شجاع آن و آرمان شجاعانه شان.

منبع: ستون آزاد گاردین، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸

# به سازمان جوانان کمونیست پیوندند



## اخبار دانشجویی...

دست به تجمع زنده اند گفتنی است که دانشجویان دانشگاه پیام نور از زور گذشته ساعت ۱۳ در دانشگاه دست به تجمع زده اند. این در حالی است که در حال تجمع خود تعدادی از آنها به حراست احضار شده اند و جمعی دیگری از آنها تهدید به برخورد شده اند. تجمع دانشجویان تا ساعت ۱۷ روز گذشته ادامه داشت، خبرها حاکی از آن است در صورت بی نتیجه بودن اعتراضات آنان، تجمع دوباره ادامه پیدا یابد.

## اعمال فشار بر دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان میثم قاسمی، عیسی عادل و مرتضی خسروی که هر سه نفر آنها فعالین دانشجویی دانشکده مدیریت هستند طی هفته گذشته به کمیته انضباطی احضار شدند. این در حالیست که هنوز دلیل احضار آنها مشخص نیست. همچنین به دنبال تجمع اعتراضی هفته گذشته در اعتراض به بازنشستگی

## بختگ اسلامی (۲)...

همین فرهنگ متمدن اروپایی بر آواره های کلیسا و جنایات وحشیانه طبقات حاکم در قرون وسطا ایستاده است. همانطور که فرهنگ اروپایی را به نوع نگرش، نژاد و توانایی اروپایی ها نسبت میدهد و نه محصول چند قرن مبارزه آزادیخواهانه جوامع اروپایی، سنت های عقبمانده ای را هم که حکومت صدهزار اعدام به مردم ایران تحمیل کرده است، خواست خود مردم ایران تصویر میکند. این دیدگاه متافیزیکی است و دارد از پروسه های تاریخی عکس میگیرد تا بتواند از تاریخ آلبومی از عکسهایی که لازم طبقه حاکم است دریاورد. یعنی نسبت فرهنگی پروسه های مادی تاریخی را که پدیده های امروز را رقم زده اند، از تاریخ خط میزند و باین ترتیب چون برای این پروسه ها ارزش قائل نمیشود، تغییر رانیز از زندگی آدمیان حلف میکند و حفظ وضع موجود را آرمان بشر قرار میدهد و با این شیوه میخواهد از بورژوازی کارت سبز بگیرد.

برای نسبت فرهنگی، فرهنگ ها مقدم بر انسانها هستند. و گویا این فرهنگها بوده اند که انسانها را ساخته اند. وقتی با این متد

اجباری برخی از اساتید برجسته دانشکده حقوق، ۴ دانشجوی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی تهران به کمیته انضباطی احضار شده اند. خبرها حاکی از آن است که ۲۷ تن از دانشجویان دانشگاه جغرافیای دانشگاه تهران به کمیته انضباطی احضار، که دلیل احضار آنها اعمال غیر اسلامی، پس از یک اردوی علمی بوده است. لازم به ذکر است که از بدو شروع سال تحصیلی جدید، مدیریت دانشگاه تهران، با نصب گیتهای امنیتی در درهای دانشگاه و خوابگاه، ورود و خروج دانشجویان را شدیداً کنترل میکند.

## جواد علیزاده، روانه زندان اوین شد

جواد علیزاده دانشجوی اخراجی دانشگاه علامه در پی سخنرانی در تاریخ ۱۸ آذر سال ۸۶ (مناسبت ۱۶ آذر) در دانشگاه تهران بازداشت و روانه بند ۲۰۹ زندان اوین گردید، نامبرده پس از تحمل حدود دو ماه بازداشت و سلول انفرادی در این بند با قید وثیقه ۸۰ میلیون تومانی تا

پیش بروید حقوق انسان را تبدیل میکنند به حقوق مذاهب، و آزادی انسان برای داشتن هر اعتقادی را تبدیل میکنند به آزادی عقاید (پروژه مذاهب) برای عضوگیری از انسانها. اسلام نیز چون توسط نیروهای زنده سیاسی نمایندگی میشود و شرایط مساعدی برای عضوگیری دارد تحت حمایت های نسبتی فرهنگی قرار میگیرد. در نتیجه اگر در افغانستان سرمیبرند و سنگسار میکنند، در اندونزی دختران را ختنه میکنند و در ایران حجاب سر کودک میکنند، جای هیچگونه نگرانی نیست، چون فرهنگ خودشان است، خودشان میدانند چه کار میکنند."

همانطور که میبینیم دفاع کردن از حجاب هم جز فعالیت های طرفداران این تز ارتجاعی میشود. "زن ایرانی خودش دوست دارد حجاب سر کند"، پس باید به عقایدشان احترام گذاشت، زیرا حق انکارناپذیر هر فرد است که هر لباسی را که میخواهد بپوشد. این منبر نشینان نظم نوینی فراموش میکنند که اتفاقاً حق انکارناپذیر هر فردی هم هست که میتواند هر لباسی را که نمیکند، بپوشد و اگر شما نخواستن زنان را در خیابانهای تهران و

زمان دادرسی پرونده آزاد گردیده بود. پس از کمتر از يك سال از زمان بازداشت، تعویق مکرر دادرسی و عدم رسیدگی به پرونده علیزاده موجب بروز مشکلاتی برای ایشان گردیده بود. از این رو روی در ابتدای هفته جاری به دادگاه انقلاب مراجعه و به نشانه اعتراض وثیقه ضمانتی خود را فك کرد. لذا دادگاه حکم بازداشت علیزاده را صادر و نامبرده در همان روز به زندان اوین منتقل گردیده است.

## انتقال به بند ۲۰۹ زندان اوین

دانشجویان صباح نصری "دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران" و هدایت غزالی "دانشجوی روانشناسی دانشگاه علامه" که در حدود ۱۹ ماه است در زندان دوران محکومیت دوساله خود را میگذرانند روز سه شنبه به بند ۲۰۹ زندان اوین که تحت مدیریت وزارت اطلاعات اداره میگردد منتقل گردیدند. گفتنی است که وضعیت جسمی هدایت غزالی بسیار بد و نیازمند رسیدگی پزشکی می باشد.

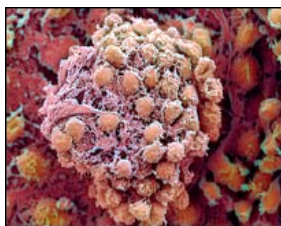
شیراز و اصفهان و دیگر شهرها نمی بینید، بروید از سران حکومت سوال کنید که طرح مبارزه با بدحجابی را برایتان تشریح کنند. در ضمن خیلی جالب است که چند میلیون زن يك سلیقه دارند و همگی تصمیم میگیرند خود را به شکل دلکی سیاه رنگ گرم کنند و در خیابانها پرسه بزنند، آیا این چیزی جز گرم اجباری رانسان میدهد؟ نسبت فرهنگی جلو میایستند و همه نیروهای سیاسی از دولتهای غربی گرفته تا بعضی سازمانهایی که متأسفانه به خود چپ میگویند هم پشت سر آن صف میکشند و شروع میکنند از حجاب اسلامی به عنوان يك نوع پوشش دفاع کردن آنها از این واقعیت پرده میپوشند که حجاب يك نوع پوشش نیست که هر فرد میتواند انتخاب کند، در واقع حجاب اسلامی را نمایندگی میکند که بقدرت رسیده و سعی دارد فرهنگ عقبمانده خود را در کنار قنوت اقتصادی و سیاسی خود گسترش دهد. مدیای غربی میخواهند این تصویر را در غرب بوجود آورند که حجاب جزئی از فرهنگ مردم کشورهای اسلامزده است و باین ترتیب باید به آنها اجازه داد که سرکلاس درس با حجاب حاضر شوند،

## نگاهی به اخبار علمی هفته ...

آن بنیایی است که دانشمندان می کوشند نشان دهند گرمایش زمین متأثر از کارهای بشر و افزایش گازهای گلخانه ای است. هاگز می گوید: «گزارش ما سنگ بنا نیست. ما چنین ادعایی نداریم.» به گفته اعضای این گروه پژوهشی، گزارش اخیر بر داده های بر گرفته از الگوی رشد گیاهان بسیار بیشتر تکیه دارد و به همین دلیل نتایج به دست آمده بسیار قابل اعتمادتر هستند. در این پژوهش همچنین بسیار بیشتر از سایر منابع مانند رسوبات، استالاکتیک ها و استالاکمیت ها استفاده شده است.

## بیضه منبع سلول پایه است

سلول های پایه امکان بدل شدن به انواع سلول های بدن را دارند. براساس تحقیقات تازه تنها وظیفه سلول های



موجود در بیضه تولید اسپرم نیست و این سلول ها می توانند منبعی برای تامین سلول پایه باشند که قابلیت بدل شدن به کلیه انواع سلول های بدن را دارد. پژوهشگران آلمانی و بریتانیایی می گویند که سلول های بیضه را می توان به سلول های پایه، مشابه آنچه در جنین تا پیش از هشت هفتهگی یافت می شود، تبدیل کرد. این مطالعه که نتایج آن در مجله "نیچر" چاپ شده است، امید دستیابی به منبعی بی پایان برای تامین سلول های مرمت کننده اعضای مختلف بدن را افزایش می دهد. قابلیت دگرگونی سلول های استخراج شده از بدن يك فرد بزرگسال

در میدانهای ورزش باحجاب وارد شوند و غیره. همین هفته اخیر مسابقات فوتبال زنان کشورهای مسلمان را با پوشش اسلامی در تهران برگزار کردند که واضحا نشان میدهد قبل از اینکه يك مسابقه فوتبال در حال برگزاری باشد يك مذهب دارد خودنمایی میکند. شهروند اروپایی که

به سلول های پایه، و بعد بدل کردن آنها به انواع بافت های بدن، آرمان اصلی تحقیقات سلول پایه است. با بدل کردن سلول پایه به سلول های مغز، استخوان یا قلب، می توان آن را بدون ترس از طرد شدن آنها توسط سیستم دفاعی، به بدن بیمار تزریق کرد. این شیوه همچنین از جنجال پیرامون استخراج سلول پایه از جنین پرهیز می کند. در این پروژه تحقیقی، که شامل دانشمندانی از "کینگز کالج لندن" می شد، ۲۲ نمونه مختلف برداشت شد. دانشمندان نوعی سلول به نام "سلول پیشاهنگ اسپرم" - که به سلول اسپرم بدل می شود - را از این نمونه ها استخراج کردند. اینها سپس از لحاظ شیمیایی طوری دستکاری شد که تا به وضعیتی مشابه سلول های جنین نزدیک شوند، یعنی وضعیتی که قابلیت تبدیل به کلیه انواع سلول ها را دارد. با این حال هنوز معلوم نیست که بتوان در آینده به طور ایمن از این سلول ها در بدن انسان استفاده کرد. رابین لاول-بیج، متخصص سلول پایه از موسسه ملی تحقیقات پزشکی گفت

که دی ان ای سلول های دستکاری شده فاقد برخی از خواصی است که فعالیت شماری از زن ها را تنظیم می کند که این وضع ممکن است بر توانایی سلول های به دست آمده در تولید بافت های مختلف بدن اثر بگذارد. او افزود که همین سلول ها احتمالاً سرمنشأ تومورهای بیضه هستند، بنابراین نمی توان قاطعانه گفت که کاملاً طبیعی هستند. وی همچنین اشاره کرد که از آنجا که اهداکنندگان این سلول ها مردان هستند، زنان نمی توانند امیدی به بهره مندی از شیوه های مشابه داشته باشند.

برای تهیه این مطالب از سایتهای رادیوفردا، بی بی سی استفاده شده است.

تلویزیون را روشن میکنند و میبینند يك نینجا با نقاب اسلامی در مسابقه تکواندو شرکت کرده تصور میکند که يك اسلامی دارد ورزش رزمی میکند اما کاملاً برعکس، این صحنه رزمی کاری را نشان میدهد که دارد برای عده ای اسلام را میفروشد.

## نگاهی به اعتراضات دانشجویان

نوید مینائی



### مقدمه:

اعتراضات و فعالیت های دانشجویی را می شود از جنبه تاریخی، موضوعی و غیره مورد بررسی قرار داد. اینجا قصد بررسی تاریخی ندارم بلکه ابتدا می خواهم نگاهی به موضوعات اعتراضات دانشجویان داشته باشم. آن چیزهایی که دانشجویان برایش اعتراض می کنند، آنان را به میدان می کشد و باعث می شود علیرغم تمام سرکوبگری های حکومت اسلامی باز به میدان بیایند و خواهان تغییر در آن موضوع خاص شوند. در واقع این نوشته تلاشی است در پیدا کردن موضوعاتی که توده دانشجویان را به میدان می کشد. این که توده دانشجویان به چه چیزهایی عکس العمل نشان می دهد و حول چه موضوعاتی میتواند سازمان یابد و راه حل رادیکال حل این معضلات چیست؟

به نظر من در حال حاضر موضوعات بسیار زیادی در هر عرصه از زندگی در ایران هستند که می توانند، و فی الحال موضوع اعتراض هستند و جنبش های اعتراضی حولشان شکل گرفته. اعتراضات در دانشگاه ها یا چیزی که با یک درجه تخفیف به آن می گوئیم اعتراضات دانشجویی در ادامه و بستر اعتراضات اجتماعی ست که در بیرون دانشگاه در جریان است. ضدیت با زن و مردسالاری، که در دانشگاه به صورت گزینش جنسیتی و بومی گزینی و انواع مشکلاتی که به خصوص از طرف نهاد های حکومتی در دانشگاه برای دختران به وجود می آید، فقر و مشکلات اقتصادی که گریبان همه جامعه را گرفته یکی از آثارش در دانشگاه باعث عدم تخصیص امکانات به دانشگاه ها و افت شدید سطح علمی و آموزشی و رفاهی در دانشگاه ها می شود، اعمال

فرهنگ اسلامی و عقب مانده شرقی که باعث تفکیک جنسیتی کلاس ها جدا کردن سرویس ها و اعمال محدود در رابطه بین دختران و پسران و سخت گیری برای حجاب و آرایش و غیره می شود. سرکوب عمومی در جامعه برای برقرار ماندن جمهوری اسلامی که به همه اینها شدت بیشتری می دهد و مسئله دستگیری و کلا "دانشجوی زندانی"، تعلیق از تحصیل و ایجاد مانع برای ادامه تحصیل دانشجویان فعال را ایجاد کرده است. این ها فقط نمونه هایی از مشکلات دانشجویان در دانشگاه هاست ولی عمده ترین آنها هستند و حول هر کدام اعتراضات زیادی شده است.

همانطور که اشاره کردم همه اعتراضات در دانشگاه ها بر بستر یک اعتراض عمومی تر و با تکیه به قدرت آن در جامعه در جریان هستند. در جاهای دیگر دنیا هم حتما اعتراض برای کاهش شهری یا سایر مشکلات در دانشگاه ها در جریان می شود، ولی تفاوت عمده و تعیین کننده این اعتراضات با نمونه های مشابهش در ایران وجود زمینه اجتماعی برای آن اعتراض مشخص در ایران است. یعنی وجود یک جنبش قوی معترض و آماده و مترصد برای پایان دادن به همه مشکلات به نام جنبش سرنگونی.

در ادامه این مقاله سعی می کنم لیستی از اعتراضات دانشجویان را مورد بررسی قرار دهم. لیستی از مواردی که دانشجویان در عرض سه یا چهار سال گذشته فعالانه برای تغییرشان تلاش و مبارزه کرده اند. این مبارزات گاه موفق بوده، گاه شکست خورده و گاه به بیراهه کشانده شده است. باید زمینه های این اعتراضات تحلیل شوند و سیاست ما در آن مورد بیان شود. مثلا ریشه جداسازی جنسیتی که در واقع بخشی از آپارتاید جنسی اعمال شده در جامعه و دانشگاه است کجاست و برای حل این مسئله چه باید کرد و در واقع راه حل ریشه ای این معضلات چیست. در واقع تلاش من این است که نشان دهم معضلات و مشکلات موجود در دانشگاه مسائلی در هم تنیده و به هم

مربوط هستند که ریشه در مشکلاتی دارند که جمهوری اسلامی برای جامعه ایران به وجود آورده و راه برون رفت از آن نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه ریشه ای تر از آن برقراری جامعه ای مبتنی بر آزادی و برابری است. نیروهای موجود در صحن سیاسی دانشگاه:

در دانشگاه هم مثل بیرون آن دو جنبش عمومی برای در دست گرفتن عرصه اعتراضات تلاش و مبارزه می کنند. جریان های چپ و سوسیالیست و نیروهای راست. در واقع جریانان موجود در دانشگاه شامل طیفی از کمونیسم کارگری تا انواع راست حکومتی و غیر حکومتی است. مسئله اینجاست که هر کدام از این گرایشات تا چه حد توانسته اند در میان توده دانشجویان تئوریته کسب کنند، چه قدر توانسته اند افق و آرمان شان را به توده دانشجویان عرضه کنند و کاری کنند که توده دانشجویان پرچم آن را بلند کند و به عنوان پرچم و پلانتفرم خود، آن را بپذیرد. مثلا چپ و سوسیالیسم در دانشگاه چقدر توانسته حرف دل توده دانشجویان را بزند و توده دانشجویان مقابل این چپ و سوسیالیسم را به رهبری و آلترناتیو خود پذیرفته است. راست از انجمن های اسلامی و تحکیم وحدت گرفته تا دانشجویان لیبرال و غیره چقدر موفق بوده اند. اینجا باید توازن قوی و رانت های حکومتی برای جریانان راست را نیز در معادلات وارد کنیم. این بررسی اما در این مقاله به عنوان یک تحلیل به کمک ما می آید تا راه حل واقعی و پیشنهادی مان را بهتر بشناسیم و بتوانیم حول آن فعالیت ها مان را سازمان دهیم.

جریانان راست به همان اندازه که توانسته اند از حکومت فاصله بگیرند و یا رُست فاصله داشتن را نشان دهند به همان اندازه به توده دانشجویان نزدیک شده اند البته این فاصله از حکومت تنها یک فاکتور برای نزدیکی و احاطه به اعتراضات دانشجویان است. نیروهایی مثل سازمان مجاهدین خلق هستند که شدیداً سرنگونی طلب هستند ولی از آنجایی که در جامعه از اقبالی برخوردار

نیستند به همان درجه در دانشگاه هم آینده ای ندارند. این را در پراگتت اضافه کنم که گرچه بخشی از جامعه از دانشگاه وارد جامعه می شود، ولی گرایشات سیاسی از جامعه وارد دانشگاه می شوند و در واقع دانشگاه به عنوان نمایشگر سطح اعتراضات جاری در جامعه عمل می کند و از جامعه بیشتر تاثیر می گیرد تا تاثیر گذار باشد.

انجمن های اسلامی و تحکیم وحدت و کسانی که اسم بی مسمای لیبرال را بر خود گذاشته اند شناخته شده ترین نیروهای راست موجود در دانشگاه هستند. این نیروها اساساً خواهان تغییر در ساختارهای اجتماعی، براندازی حکومت و یا حتی ایجاد تغییرات اساسی در حکومت نیستند. راه حل هایشان اساساً مذاکره با حکومتی ها (به خصوص بخشی از حکومت که به آنان نزدیک هستند و در واقع یک هدف را دنبال می کنند و اینان شاخه دانشجویی آنان محسوب می شوند)، همین طور توسل به مراجع تقلید و خلاصه در چهار چوب وضع موجود هستند. جایی که به نیروی توده دانشجویان متوسل می شوند در واقع می خواهند برای بخش دیگر حکومت قدرت نمایی کنند و به اصطلاح سیاست شان فشار از پائین و چانه زنی از بالاست تا به اهداف شان برسند.

طیف راست به دنبال راه حل اساسی برای مشکلات دانشگاه نیست چرا که اساساً مشکلش با مشکل توده دانشجویی یکی نیست. به دنبال جایگاه مناسب تری در ساختار حکومت فعلی می گردد و از اعتراضات موجود و قدرت توده دانشجویان در این راستا می خواهد استفاده کند. رادیکال شدن و چپ شدن اعتراضات و مطالبات در دانشگاه و جامعه البته این گرایش را مجبور می کند به چپ نزدیک شود و به زبان چپ حرف بزند ولی این نزدیک شدن در اثر فشار اعتراضات است و در واقع سیاستی است برای مهار و به راست کشیدن اعتراضات جاری. مثلاً طرح جداسازی جنسیتی اصولاً نباید مسئله و مشکل نهاد "انجمن اسلامی" باشد، ولی می بینیم انجمن اسلامی هم گاهی به این امر اعتراض می کند. این نشان

دهنده فشار چپ و توده ای شدن مطالبات ضد مذهبی در جامعه و دانشگاه است. اگر انجمن اسلامی به جدا سازی جنسیتی برخورد اعتراضی نکند خود را در کنار بسیج دانشجویی می بیند در حالیکه این گرایش برای رسیدن به اهدافش و با توجه به جایگاهش در توازن قوای سیاسی حکومت و جامعه نیاز دارد اعتراضات اجتماعی را کنترل و تا جایی که می تواند مهار و منحرف کند و به عنوان برگ برنده خود در مقابل جناح دیگر حکومتی از آن استفاده کند.

این نیروها با شکست دوم خرداد و خاتمی در عرصه اجتماعی، شانس شان برای رهبری اعتراضات اجتماعی و همین طور در دانشگاه به شدت کم شده است. هنوز ته مانده محفل هایی که با خاتمی خود را تعریف می کنند موجودند و هر از چندگاهی به محافل خود دعوتش می کنند ولی گذشته از این محافل سیاست عمومی انجمن های اسلامی اصلاح و نگه داشتن همین حکومت است، و این بزرگ ترین نقطه ضعف این نیروهاست. این نیروها دقیقاً به خاطر شکست و عبور جامعه از خاتمی و اصلاحات و قوت گرفتن جنبش سرنگونی در مقابل جنبش اصلاحات، برای بقای خود نمی توانند سیاست اصلی شان را، هدف و آرمانشان را دقیقاً و بی دغدغه دنبال کنند و باید به دنبال جنبش سرنگونی بوند و مدام تلاش کنند آن را منحرف کنند.

این گرایشات با توجه به نزدیکی و خویشاوندی سیاسی شان با جناح خامنه ای و احمدی نژاد، توانسته اند امکانات وسیع و چتر امنیتی مناسب تری نسبت به دیگران داشته باشند. شبکه خبر رسانی، دفاتر رسمی و برگزاری انتخابات و تشکیل انجمن هایشان به طور علنی، هر چند طی یک سال گذشته مورد هجوم حکومت قرار گرفته است ولی هنوز نسبت به جریانان دیگر بسیار با امکانات تر هستند. این امکانات در عرصه عمل نقشی بسیار مهم بازی می کنند.

در ادامه مطلب به بررسی نیروهای چپ موجود در دانشگاه و اعتراضات جاری در دانشگاه می پردازیم.

## در ستایش کانال جدید! جمهوری اسلامی غلطی نمی تواند بکند

### منصور ترکاشوند ایران

به آن سر پا ایستاده است. تلویزیون آنچه نشدنی و یا بسیار سخت بنظر میرسید را شدنی کرده است، کل دستگاه سرکوب اسلامی را بی فایده کرده است و از همین روست که او باش و ارادل اطلاعاتی اقدام به تهدیدهای تلفنی مجریان کانال جدید می کند البته هیچ غلطی نمی توانند بکنند. دوره صدور فتوای ایت الله ها به سر آمده است و اتفاقا به نظر میرسد که ابزار کارهای هرکولی به دست کمونیستهای کارگری افتاده اند. ظاهر به همه شایستگی های کمونیزم کارگری قبری هم شانس و امکان اضافه شده است. تاریخا حد اکثر ارتباط ممکن برای کمونیستهای کارگری با مردم از طریق نوشتجات بوده است و این به شدت میزان ارتباط را کاهش می داده است. امکان استفاده از یک رسانه بسیار وسیع و همه گیر فقط برای ما مهیا شده است و پیش از ما هیچ کمونیست رادیکال ویی تخفیفی امکانش را نداشته و راستش ما لیاقت و شرایط بهره برداری از این امکان را نیز داشته ایم. اما نباید راه را گم کنیم تی وی ضعفهایی هم دارد. از جمله اینکه بینندگان در خانه هایشان آن را میبینند محال آنکه قدرت مردم وقتی که با هم اند بی کران میشود. قدرت تغییر در تجمعات کارگران و زحمتکشان و اتحاد مردم است، مردم از با هم بودن نیرو میگیرند و قادر به انجام کارهای هرکولی میشوند، کوبنده و فنا ناپذیر میشوند. با تلویزیون می شود این قدرت را هر چه بیشتر به صحنه کشید اما همیشه باید به خاطر داشت که قدرت کجاست. آنچه نظام اسلامی را به زانو در خواهد آورد قدرت تجمعات آگاهانه مردم است. قدرتی که در دسترس است و به صحنه آوردنش کاملاً ممکن است.

مدعی میشود که خیر همین سرمایه داری موجود مورد شکایت سارکوزی میلیونها انسان را از فقر نجات داده

تلویزیون کانال جدید بر سد بزرگی غلبه کرده است. موانع بزرگی را از میان برداشته است. عملاً انقلاب راهش را ازآینده گان گرفته است! ماهواره و اینترنت ابزارهایی بزرگی بودند که مشکل اصلی کمبود در امکان ارتباط مردم با حزب را از میان برداشتند. چند سالی اینترنت و حالا ماهواره راه را برای ما که می دانیم چه می خواهیم چه نمی خواهیم میدانیم که باکی باید و با کی نباید راه برویم، مانی که سی سال تاریخ پر افتخاری اشتباه پشت سر داریم و بر خلاف باقی اپوزیسیون می توانیم از لحظه لحظه ای سالهای مبارزاتی مان دفاع کنیم باز کرده اند.

ذره ای تردید نباید داشت که اینترنت و ماهواره بزرگترین ابزار ما در رهبری سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی سوسیالیسم اند. این را البته دشمنانمان به خوبی دریافته اند و از همین روست که اقدام به تهدیدات تلفنی مجریان تلویزیون نیو کانال کرده اند. اما آنها اینبار نیز با همان ابزار سی سال پیششان یعنی ترور و جنایت به جنگ ما آمده اند. آیا می توانند با این سلاح کهنه اینبار نیز ما را پس بزنند و جامعه را عقب برانند؟ و آیا ما که تشنه یک فرصت برای ارتباط با مردم بودیم این فرصت طلایی را از دست خواهیم داد؟ کیا نه از هر لحظه ای آن نهایت بهره را خواهیم برد و بساط جمهوری اسلامی را در هم خواهیم شکست.

کانال جدید کانال نهایت آزادی خواهی و برابر طلبیست، با چنگ و دندان باید بماند و ما را به مردم و مردم را به ما برساند.

قدرت تلویزیون در شکستن سد اختناق است، سدی که جمهوری اسلامی با اتکا

هزار میلیارد دلاری که از کیسه مردم به "سرمایه های بد" بخشیدند ممکن است دود شود و هوا برود. آنوقت نه فقط بحران ادامه پیدا میکند که اوضاع بسیار وخیم تر از این خواهد شد. چقدر وخیم تر؟

### دیالوگ بوش و سارکوزی

سارکوزی حرفهای فوق را دارد خطاب به جرج بوش و پیش از ملاقات با او در کمپ دیوید که دو سه روز پیش صورت گرفت بیان میکند. بطور تلویحی دارد بوش و نئوکسنروایتیسم را بعنوان نماینده این سرمایه داری افسار گسیخته و "دیوانه سودهای کوتاه مدت" جلوه میدهد. جواب بوش به این کلمات پر شور آقای سارکوزی در مورد ساختن نوع جدیدی از سرمایه داری که احترام انسان و زمین و نسل بعدی و صد البته "سودهای بلند مدت" را دارد، چه بود؟

اول بگوییم که بوش به همراه بازار و نئوکسنروایتیسم و همه مدافعان بازار آزاد اینروزها حال چندان خوبی ندارد. همین طرح ۷۰۰ بلیون دلاری نجات بانکها و دخالت آشکار دولت در ساحت مقدس بازار در واقع از اروپا آمد و بوش و دستگاه اجرایی اش آنرا پذیرفتند. در نتیجه در مقابل تعرض سارکوزی در پز دفاعی قرار داشت. پیشنهاد اصلی سارکوزی برای یک اجلاس عالی از سران گروه هشت بعلاوه کشورهای مهم دنیا (نظیر چین و هند وغیره) برای گفتگو در مورد آینده سرمایه داری و تعریف تنظیمات جهانی مالی را پذیرفت. اما در عین حال هشدار داد:

"همزمان با وضع مقررات و تغییرات ساختاری برای پرهیز از تکرار بحران اخیر، این اساسی است که ما مبنای سرمایه داری دموکراتیک را حفظ کنیم، یعنی تعهد به بازار آزاد، آزادی بنگاه های اقتصادی و آزادی تجارت." او ادامه داد: "ما باید در مقابل تحریکات خطرناک انزواگری اقتصادی مقاومت کنیم و سیاستهای بازار آزاد را ادامه دهیم که استاندارد زندگی را بالا برده و به میلیونها مردم جهان کمک کرده از فقر بگریزند."

یافت نشود. مارکس خیلی وقت پیش علت آنرا دقیقاً توضیح داده بود: هراندازه که سرمایه برای کسب سود تلاش میکند، ناگزیر بارآوری کار اجتماعی را که منشاء ارزش اضافه است بالا میبرد. ولی دقیقاً بهمین علت دائماً نسبت کار زنده به کل سرمایه و لذا نرخ سود را کاهش میدهد. تنزل نرخ سود همچون شمشیری بالای سر سرمایه همواره چرخ میزند و سرانجام و بطور اجتناب ناپذیری فرود می آید. و این وقتی است که بحران اقتصادی رخ میدهد. اما بحران فقط درد نیست، درمان هم هست. به قیمت خانه خرابی میلیونها انسان بحران در عین حال راه علاج موقتی بن بست سرمایه داری است. سرمایه داری با بحران های عظیم و عظیم تر تکرار شونده، با از میدان بدر کردن سرمایه های "نالایق" که سودآوری لازم را ندارند، با پایین آوردن سهم کار زنده و بالا بردن سهم سود سرمایه و در نتیجه فراهم کردن شرایط دوره دیگری از رونق ادامه حیات میدهد. یعنی همان کاری که آقای سارکوزی و همه دولتمداران اروپا و آمریکا و ژاپن و چین و روسیه و استرالیا و کره جنوبی اینروزها عوامل انسانی انجام آن هستند.

اختصاص بیش از سه تریلیون دلار برای خرید بانکهای ورشکسته و "سرمایه های بد" توسط آمریکا و دول اروپایی و آسیایی جز تلاش برای تخفیف تنزل نرخ سود در بازار جهانی نیست. این که آیا این تلاشها کافی است یا نه را جناب روح اعظم یعنی بازار باید تشخیص دهد. که البته بازار عینا مثل امام زمان ته یک چاهی نشسته است و کسی نمی تواند حالات ایشان را حدس بزند. تا ظهور نکند شما نمی دانید حالشان چطور است. فعلاً حضرت بازار چراغ سبز نمی دهد و همین کل بورژواها را نگران کرده است. چرا که در پس بحران مالی میتواند یک بحران عظیم و همه جانبه اقتصادی خوابیده باشد. و همه نشانه ها بر چنین چیزی حکم میکنند. برای مثال همین امروز رئیس سازمان جهانی کار از بیکار شدن ۲۰ میلیون نفر دیگر در سطح جهانی خبر داد. همین امروز کارخانه های کرایسلر آمریکا در کانادا اعلام کرد که کاهش تولید و بیکارسازی ها در راه است. یعنی اینکه حتی این ۳

### بحران و آینده سرمایه داری...

تفسیر میدیا یک چیز برجسته است: سرمایه داری و بحران های اجتناب ناپذیرش؛ و سرانجام آن. گویی خود بازار جهانی کتاب کاپیتال مارکس را جلوی میلیاردها انسان باز می کشاید و با صدای بلند و گاه طنز آمیز قرائت میکند.

طنز البته از کاپیتال نیست. بلکه در سخنان سردمداران و سیاستمداران امروز دنیا و واکنش هایشان نسبت بحران و سرانجام سرمایه داری است. از همه مضحک تر شاید صحبت های مومیایی های حاکم بر ایران است. امثال خامنه ای و احمدی نژاد که گویا گفته بودند سقوط شوروی پایان کمونیسم بود و بحران اخیر هم پایان لیبرال دموکراسی است، و در نتیجه دوره اسلام و امام زمان شروع شده است! پایین تر به این اظهارات هم اشاره میکنیم اما اجازه بدهید ابتدا به سخنان نمایندگان مقول تر سرمایه در سطح جهانی نگاهی بیندازیم.

### چگونه میتوان تضمین کرد؟

به نقلی از "سارکوزی" رئیس جمهور فرانسه در چند روز پیش دقت کنید: "ما نیاز داریم که باهم یک سرمایه داری بازسازیم که احترام بیشتری به انسان، احترام بیشتری به سیاره (زمین)، احترام بیشتری به نسل بعدی بگذارد و به این سرمایه داری پایان دهیم که مفتون جستجوی دیوانه وار سودهای کوتاه مدت شده است."

به تعارفات ایشان در مورد "انسان و سیاره و نسل آتی" بعداً میپردازیم. شکوه جناب سارکوزی در واقع از آن سرمایه داری است که دیوانه وار دنبال "سودهای کوتاه مدت" است. نسخه ایشان طبعاً باید ساختن یک سرمایه داری با سودهای بلند مدت و حساب و کتاب دار باشد: آئی سود، آئی سود، چگونه میشود تو را تضمین کرد؟ چگونه جلوی تنزل نرخ تو را میتوان گرفت؟

این تمام چیزی است که سارکوزی در جستجوی آن است که البته به آسانی می



## بحران و آینده سرمایه داری...

است. روشن است که نه زمین و انسان سارکوزی و نه ادعای نجات انسانها توسط بوش هیچ کدام نکته اصلی نیست. پس معنی واقعی این دیالوگ بوش و سارکوزی چیست؟

هیچ هم بوش و هم سارکوزی میدانند که تداوم سرمایه داری بصورت سابق ممکن نیست. هردو دارند بسمت نوعی کنترل جهانی، نوعی نهاد جهانی مالی برای کنترل بازار گام بر میدارند. در واقع دعوا بر سر تعریف مختصات جدید سرمایه داری جهانی است. سارکوزی بر نقش بیشتر دول سرمایه داری و نظارت بر بازار تاکید میگنارد و بوش بر نقش بازار آزاد تاکید میگنارد. هردو هم میدانند که بازار و دولت سرمایه داری لازم و ملزوم یکدیگرند. اما این هنوز نوعی صورت ظاهر بحث است. بحث واقعی این است: سهم من چیست؟ بحث سرانجام به هژمونی آمریکا و سهم شرکاء ختم خواهد شد. "مقررات جدید" در واقع باید صحنه توازن قوای جدید در سطح جهانی را تعریف کند.

## پایان لیبرال دمکراسی؟

اینجا خوب است به اظهارات فوق از سران جمهوری اسلامی اشاره ای کنیم. نه سقوط شوروی پایان کمونیسم بود و نه افول و سقوط نئوکسنرواتیسم پایان لیبرال دمکراسی است. به نظر من اتفاقا دنیا به سمتی میرود که گرایشات اصیل دو طبقه اصلی زمان ما یعنی بورژوازی و پرولتاریا در برابر هم صف آرایی خواهند کرد. کمونیسم کارگری و لیبرالیسم بورژوازی اتفاقا بیش از همه شانس دارند. در هر حال آنچه که مسلم است سقوط شوروی نه پایان کمونیسم که پایان سرمایه داری دولتی، اعم از نوع "کمونیستی" و شرقی آن، و یا نوع "دولت رفاه" و سوسیالیسم دمکراسی و غربی آن بود. پایان جنگ سرد پایان سوسیالیسم بورژوازی بود و تازه زمینه را برای عروج سوسیالیسم و کمونیسم کارگری فراهم میکنند. و افول راست جدید و نئوکسنرواتیسم نیز مصادف با پایان لیبرالیسم بورژوازی نخواهد بود.

فراموش نکنیم که عروج راست جدید، نئوکسنرواتیسم با همه مخلفات آن، از پست مدرنیسم گرفته تا سر برآوردن قومی گری و اسلامی گری و انواع وحشی گری و قهقرا، اساسا ناشی از دوره حلاّ ایدئولوژیک سیاسی بعد از پایان جنگ سرد بود. در غیاب جنبش های اصلی و قدرتمند اجتماعی، بویژه در غیاب یک سوسیالیسم واقعی و کارگری، هر جگ و جانور سیاسی بورژوازی از آمریکا تا ایران برای دوره ای میدان دار شد. این دوره دارد پایان می یابد، اما پایان نئوکسنرواتیسم و راست جدید الزاما پایان لیبرالیسم بورژوازی نیست. برعکس الان تازه دست بردن به لیبرالیسم، چه بسا با تعابیر جدید و منطبق با اوضاع، بعنوان یک آیشن و شاید جدی ترین آیشن در مقابل بورژوازی قرار میگیرد.

هم اکنون هم میتوان نشانه های آنرا دید. در همین دیالوگ بوش و سارکوزی هم میتوان این جهت گیری را حس کرد. بعد از افول نئوکسنرواتیسم فضای جامعه و سیاست بورژوازی به احتمال زیاد به چپ و به مرکز خواهد چرخید. البته به نظر من بازگست به دوره سوسیالیسم بورژوازی و یا ارائه انواع جدیدی از سرمایه داری "دولت رفاه" ممکن نیست. چرا که اساسا به این دلیل که اینبار سوسیالیسم بسرعت کارگری و مارکسی خواهد شد. آنچه که در ایران اتفاق افتاد، یعنی بر متن نقد سوسیالیسم بورژوازی یک کمونیسم کارگری مارکسی و تند و تیز سر برآورد، پدیده منحصر بفرد و ایرانی نخواهد بود. در نتیجه بورژوازی باید از نظر ایدئولوژیک فکر اساسی برای خودش کند و تنها منبع واقعی ای که دارد به نظر من لیبرالیسم است.

اشتباه نشود، این به معنی آن نیست که لیبرالیسم جواب حاضر و آماده ای برای بورژوازی دارد. ولی این سمتی است که احتمالا به طرف آن خواهند رفت. و این معنی آن نیست که موفق خواهند شد. از این نقطه نظر توجه به آنچه که اکنون در آمریکا در حال رخ دادن است جالب توجه است. اکنون بورژوازی آمریکا به خیال خود یک آس رو کرده است. اوایما. البته پیروزی بر بوش و مک کین توسط اوایما

کار دشواری نیست. بوش و نئوکسنرواتیسم چنان خراب کرده است که حتی خود جمهوری خواهان استخواندار مکن کین و معاونش را مسخره میکنند. کسانی چون کولین پاول حمایت خود را از اوایما اعلام میدارند. اما مساله اوایما فی الواقع از وقتی شروع میشود که قدرت را در دست بگیرد. جواب مردم آمریکا را که طبق نظر سنجی ها ۸۰ درصد شان از اوضاع ناراضی اند و بعد از بحران فعلی معلوم نیست چه به سرشان بیاید را به نظر من نمی شود با اوایما بازی داد. لاقال باید یک نوع دیگر اوایما بازی به صحنه بیارند. نوعی که قطعاً نمی تواند جا پای بوش بگذارد. آنوقت چه بسی اوایما از آقای سارکوزی امروز هم بیشتر در مورد "انسان و زمین و نسل آینده" موعظه کند. اما حتی این شیرین زبانی ها که برای مهار ناراضی مردم از وضع موجود است فضای جامعه را چپ میکند. این توهم بالایی هاست که فکر میکنند میتوانند مردم را در نقطه ای که خود میخواستند متوقف کنند. در نتیجه در خود همان آمریکا هم باید در انتظار تحولات سیاسی بسیار متفاوتی بود.

## عروج کمونیسم کارگری

تا اینجا ما فقط یک روی سکه جدال طبقاتی را واری کردیم. کوشش کردیم سمت و جهت عمومی حرکت بورژوازی را با مفروضات فعلی حس بزینیم. اما این بررسی طبعاً هنوز ناقص است. چرا که در دنیا غول اجتماعی بسیار عظیم و خفته ای وجود دارد که هنوز سر بلند نکرده است. گوشه هایی از قدرت عظیم این غول را برای مثال در جریان تظاهرات های میلیونی ضد جنگ آمریکا علیه عراق دیدیم. اما فقط گوشه ای و آنهم زود گنر و بی سرانجام. این غول مردم وسیع و عظیم تر میشود. گرچه خاموش است اما به دقت اوضاع را زیر نظر دارد. میدانند کل این جهان و این سیاره مورد اشاره آقای سارکوزی بردوش او میچرخد. و میدانند که در عین حال همه مشقات ناشی از همین دنیا و از جمله همین بحران فعلی بر سر او خراب میشود. هر تکان جلی که این غول به خود بدهد همه معادلات سیاسی و ایدئولوژیک دنیا را

عوض خواهد کرد. برای مثال در مقابل همین ۳ هزار میلیارد دلار پول یامفتی که تقدیم سرمایه داران محترم شده است اینجا و آنجا غرولند کرده و می بینید که چطور آقای سارکوزی و بنوعی بوش در سخنان خود مجیز او را میگویند. نکته اینجاست که این غول در یک گوشه زمین و آنهم گوشه مهمی که از چشم کسی پنهان نمی ماند بیدار شده است: ایران.

تا آنجا که میتوان فهمید جامعه ایران اکنون یکی از سیاسی ترین و قطبی ترین جوامع امروز جهان است. جنبشی عظیم و پر قدرت در جامعه جریان دارد که میخواست اوضاع را عوض کند و قطعاً عوض خواهد کرد. جمهوری اسلامی در نوك حمله این موج اجتماعی عظیم قرار دارد. اگر کسی هنوز به قدرت و وسعت این جنبش باور ندارد سخنان کردان وزیر کشور جمهوری اسلامی در هفته گذشته در این رابطه قابل توجه است. (در ضمن با همین صحبت ها معلوم شد مدرک دکتری ایشان صحت داشته است. شاید نه به اندازه دکتر جباریان ولی در حد خود یک دکتر واقعی جمهوری اسلامی است.) لیست "چالش های امنیتی" که ایشان برای جمهوری اسلامی بر شمرد تقریباً همه چیز را در بر میگرد:

"ناسیونالیسم قومی"، "فرقه گرایی مذهبی"، "جنبش حقوق بشر"، "دموکراسی خواهی در مقابل مردم سالاری دینی"، "سکولاریسم"، "جنبش مجازی و اینترنتی"، "جنبش روشنفکری بیمار"، "خرافه گرایی"، "محیط زیست"، "مسئله فمینیست و مدرنیسم در مقابل سنت"، "سندیکاها"، "جریان های دانشجویی"، "فضای رسانهای از طریق عملیات روانی، فضای دبیبنی، سیاهنمایی، هویت سازی و بی اعتمادی و ناکارآمدی و ایجاد مطالبات جدید" و غیره. دست آخر ایشان حتی بازار که سنتا پشت پناه جنبش اسلامی بوده را هم جزو "چالش های امنیتی" قرار داد: "این (اعتصاب اخیر بازار) نشان می دهد حتی از بزرگترین ابزارهای انقلاب (یعنی بازار)، قدرت سواستفاده وجود دارد و برای انقلاب اسلامی مسئله بازار مسئله بزرگ و

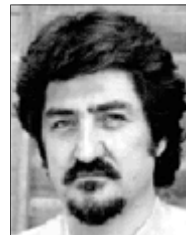
مهمی است."

اینکه چطور دکتر کردان حسن و حسین میکند و مثلاً چیزهایی نظیر "خطر وهابیت" را در کنار "سندیکا" (بخوانید خطر اعتصابات کارگری) و یا "ایجاد مطالبات جدید توسط رسانه ها" (بخوانید توسط کانال جدید) قرار میدهد فعلاً بحث ما نیست. این فقط نشان میدهد که آن مدرک دکترا بیخودی دست ایشان نیامده است. اما اظهارات او در هر حال به اندازه کافی روشن است که هر جنبه ای در ایران جمهوری اسلامی را بوخت می اندازد. اینکه جمهوری اسلامی با یک چنین جامعه ای و با کاهش شدید قیمت نفت و فشارها و مشکلات بین المللی و دعوای درونی (که کردان هم میگوید تازه وارد "چالش های درونی" نشده است)، چه می خواهد بکند جوابش را به امام زمان شان واگذار میکنیم. اما خیلی روشن است وقتی که این موج اجتماعی که محور و نیروی قطعی آن جنبش طبقه کارگر است با تمام قدرت برخیزد و بخصوص وقتی تحت رهبری کمونیسم کارگری و حزب ما باشد بی تردید تنها به ریشه کن کردن جمهوری اسلامی قناعت نخواهد کرد. بلکه ریشه های آن شرایطی که موجب قدرت گیری جمهوری اسلامی شد یعنی سرمایه داری را هم بیرون خواهد آورد. و این جهان را تغییر خواهد داد.

در ۳۰ سال گذشته ایران خمینی و خاتمی و احمدی نژاد تقریباً همواره در صرا اخبار جهان بوده است. این تنها انعکاس روانه قدرت طبقه کارگر و انقلاب ۵۷ است. انقلاب ۵۷ قدرت بورژوازی به طور کلی را به چالش کشید و سرکوب کنندگانش هرگز روی آرامش به خود ننیدند. تلاش و تقلا برای بازگرداندن آرامش مطلوب بورژوازی در جامعه ایران با جایگاه مهم ژئوپلیتیکی که دارد به صدر خبرها رانده شد. ایران تحت حاکمیت کارگران و مردم ایران سوسیالیسم پیروزمند، ایران آزادی و برابری و هویت انسانی به مراتب بیشتر مورد توجه جهان و بویژه کارگران و توده های محروم قرار خواهد گرفت. باید دید سرکوزی های آنوقت چگونه میخواستند سود و سرمایه داری و انسان و زمین و نسل آینده را کنار هم توضیح دهند؟

## نظری به تئوری مارکسیستی بحران

منصور حکمت



(یک معرفی: آنچه که در زیر می آید بخش کوچکی از یک مقاله مفصلتر حکمت است با عنوان: "نظری به تئوری مارکسیستی بحران و استنتاجاتی در مورد سرمایه داری وابسته" که بعنوان ضمیمه جزوه "دورنمای فلاکت و اعتلای نوین انقلاب - تزهایی درباره اهمیت سیاسی بحران اقتصادی" در بهمن ۱۳۵۸ توسط "اتحاد مبارزان کمونیست" منتشر شد. در کل این مقاله خواندنی که نسلی از بهترین کمونیست های ایران را تحت تاثیر قرار داد منصور حکمت میکوشد نشان دهد که چگونه متکی بر قانون "گرایش نزولی نرخ سود" بعنوان بنیادی ترین قانون حاکم بر حرکت سرمایه و مناسبات کار و سرمایه میتوان تئوری امپریالیسم لنین را توضیح داد و استنتاجاتی در مورد سرمایه داری در یک کشور تحت سلطه امپریالیسم را نتیجه گرفت. این که امروز در عصر سرمایه داری جهانی حتی میتوان با قاطعیت بیشتری اهمیت این قانون و صحت ارزیابی مارکس را نشان داد خود میتواند بحث جالبی باشد که باید در فرصتی به آن بپردازیم. بهر حال اگر میخواهید این بحث را دنبال کنید حتما کل مقاله را که در سایت عمومی منصور حکمت موجود است مطالعه نمایید. اینجا ما فقط بخش اول مقاله فوق را که توضیح فشرده ای بر تئوری مارکس در مورد بحران های اقتصادی سرمایه داری است را آورده ایم. خود این بخش کوچک در واقع یک موضوع مستقل و در خود کاملاً قابل استفاده است. دلیل این انتخاب البته واضح است. اکنون یک بحران اقتصادی همه جانبه جهان را فرا گرفته است. در نتیجه هرکسی میخواهد بداند چرا

بحران ها بوجود می آیند و چه تاثیرات و نتایجی دارند. این نوشته حکمت با همه فشردگی و موجز بودن بی تردید یک سرخ قابل اتکا و دقیق برای آشنا شدن با بحث های مارکس و پیدا کردن درک دقیق و واقعی از بحران اقتصادی و نقد صحیح از مناسبات سرمایه داری است. ما میدانیم که بحث ممکن است قدری تخصصی باشد اما مصرانه همه خوانندگان را به مطالعه دقیق این مطلب و همچنین بحث و اظهار نظر و یا احیاناً طرح سوالات حول آن دعوت میکنیم. تیتتر فوق انتخاب ماست که البته بخش اول تیتتر خود منصور حکمت برای کل مقاله مذکور است. جوانان کمونیست)

بروز بحرانهای دوره ای در نظام سرمایه داری بطور کلی ناشی از تناقضات درونی پروسه انباشت سرمایه است، و هر بحران، با انباشت، تراکم و تمرکز سرمایه، هر بار با ابعادی وسیعتر و عمیقتر از بحران قبل ظهور میکند. در پایهای ترین سطح، قانون گرایش نزولی نرخ سود مبنای کلیه بحرانهای اقتصادی جامعه سرمایه داری است. گرایش نزولی نرخ سود (در کل سرمایه اجتماعی) نتیجه ناگزیر پروسه انباشت سرمایه است. مارکس مشخصاً نشان میدهد که همگام با انباشت، ترکیب ارگانیک سرمایه (در کل نظام تولیدی) ناگزیر افزایش مییابد. افزایش ترکیب ارگانیک سرمایه به این معنی است که نسبت سرمایه ثابت (بخشی از سرمایه که صرف خرید وسایل تولید میشود) به سرمایه متغیر (بخشی از سرمایه که صرف خرید نیروی کار میگردد) مستمراً افزایش مییابد. این بازتاب این واقعیت است که با گسترش نیروهای مولده در چهارچوب رشد و بسط و انباشت سرمایه و افزایش بارآوری اجتماعی کار انسانی، حجم (و نیز ارزش) وسایل تولیدی که هر کارگر بطور متوسط در مدت زمان معین به حرکت درمی آورد افزایش مییابد. اما تناقض مهلك نظام تولید

سرمایه نرخ سود کاهش مییابد (در فرمول (۲) نرخ سود ثابت مانده حال آنکه مخرج آن افزایش یافته است، و با در فرمول (۱) صورت با سرعت کمتری نسبت به مخرج افزایش یافته است). عبارت دیگر در نتیجه پروسه انباشت سرمایه و بالا رفتن ترکیب ارگانیک آن، (نرخ استثمار دست نخورده است و این در بحث بالا فرض مسأله ماست)، حجم کل ارزش اضافه احتمالاً حتی افزایش هم یافته است. اما نرخ سود تنزل کرده است.

نکته ای که میباید در این رابطه تأکید شود این است که قانون گرایش نزولی نرخ سود یک استنتاج ریاضی (جبری) نیست، بلکه استنتاجی اجتماعی-اقتصادی است که بر مبنای شناخت واقعیت اجتماعی سرمایه انجام گرفته است. آنچه در بالا آمد صرفاً عرضه ریاضی مسأله است. واقعیت امر این است که سرمایه در پروسه انباشت، تراکم و تمرکز خود نیروهای مولده را

$$\text{نرخ سود} = \frac{\text{ارزش اضافه}}{\text{سرمایه متغیر} + \text{سرمایه ثابت}} \quad \text{فرمول (۱)}$$

اگر صورت و مخرج کسر نرخ سود را به سرمایه متغیر تقسیم کنیم:

$$\text{نرخ سود} = \frac{\text{ارزش اضافه}}{\text{سرمایه متغیر}} = \frac{\text{نرخ استثمار}}{\text{سرمایه ثابت} + \text{سرمایه متغیر}} \quad \text{فرمول (۲)}$$

سرمایه ثابت خود منشاء ارزش اضافه نیست و این تنها سرمایه متغیر، یعنی بخشی از سرمایه که صرف خرید نیروی کار میگردد است که تولید ارزش اضافه میکند. بنابراین، با فرض نرخ استثمار معین، حجم ارزش اضافه متناسب با رشد سرمایه متغیر - و نه ثابت - افزایش مییابد. واضح است که بنابراین، با فرض ثابت ماندن نرخ استثمار، با بالا رفتن ترکیب ارگانیک

ثابت، استفاده از نیروی کار کمتر مترادف است با تحصیل حجم کمتری از ارزش اضافه برای هر هزار تومان سرمایه، یعنی کاهش نرخ سود سرمایه. به این ترتیب گسترش و انباشت سرمایه به مانعی بر سر راه گسترش و انباشت بیشتر سرمایه بدل میشود چرا که رشد سرمایه با ابقاء نرخ سودآوری در تناقض افتاده است.

اما چرا مارکس از گرایش نزولی نرخ سود صحبت میکند و نه از ضرورت تنزل آن؟ درک این نکته تا حدود زیادی خصلت دورای و متناوب بحرانهای اقتصادی جامعه بورژوا را نیز مشخص میکند.

بحران نشانه آن است که گرایش نزولی نرخ سود بالفعل شده و سود سرمایه عملاً کاهش یافته است، سرمایه های مختلف برای تخصیص سهم بیشتری از ارزش اضافه تولید شده در کل اقتصاد به جان هم میافتند، رقابت عمیقاً تشدید میشود، بسیاری از سرمایه داران ورشکسته میشوند، از سوی دیگر کل طبقه سرمایه دار برای تشدید استثمار و تولید ارزش اضافه بیشتر به سطح معیشت طبقه کارگر یورش میبرد و تضاد اجتماعی کار و سرمایه در همه ابعاد خود حدت میگیرد. خصلت دورای بحران ناشی از خصلت دورای بالفعل شدن گرایش نزولی نرخ سود است. دوره ای بودن بحران از آنروست که گرایش نزولی نرخ سود خود را، نه بصورت کاهش مستمر، تدریجی و عملی نرخ سود سرمایه، بلکه بصورت کاهش سریع و متناوب آن، در مقطع های معین، پس از دوره های چند ساله ثبات و یا حتی افزایش عملی، آشکار میکند. به این ترتیب سؤال اساسی این است که چه عواملی باعث میشود که گرایش نزولی نرخ سود، با توجه به اینکه ترکیب ارگانیک سرمایه مستمراً افزایش مییابد، اثر خود را نه بگونه ای مستمر، بلکه متناوباً به فعل درآورد؟ عبارت دیگر در فاصله دو دوره بحران، چه عواملی از کاهش عملی نرخ سود جلو میگیرد و به این ترتیب تنزل نرخ

## نظری به تئوری مارکسیستی...

سود را به یک گرایش تبدیل میکند؟

واقعیت این است که در پروسه عملی تولید و بازتولید سرمایه، گرایش‌ها و عوامل دیگری نیز در کارند که می‌توانند، در محدوده‌های معین، تأثیر گرایش نرخ سود را خنثی کنند. نکته اساسی اینجاست که تأثیر این عوامل خنثی‌کننده نمیتواند دائم باشد، و گرایش نزولی نرخ سود در تحلیل نهایی و در دوره‌های متناوب اثرات خود را به فعل در خواهد آورد. مارکس این عوامل (گرایش‌ها) خنثی‌کننده را بلافاصله پس از طرح خود قانون گرایش نزولی نرخ سود (در فصل ۱۴ جلد سوم سرمایه) توضیح میدهد. از میان عواملی که مارکس بر می‌شمارد ما به اختصار به چند عامل اشاره میکنیم:

### ۱- تشدید استثمار

اگر به آنچه قبلاً گفته شد دقت کنیم، میبینیم که گرایش نرخ سود جایی بصورت یک قانون مطلق عمل میکند (یعنی سود سرمایه عملاً کاهش مییابد) که نرخ استثمار با سرعتی کمتر از رشد ترکیب ارگانیک سرمایه افزایش یابد (در بحث فوق نرخ استثمار اساساً ثابت فرض شده بود). حال آنکه در واقعیت امر الزاماً چنین نیست و سرمایه، چنانچه بتواند از طرق مختلف استثمار را متناسب با (و یا سریعتر از) افزایش ترکیب ارگانیک شدت بخشد، میتواند حجم ارزش اضافه تولید شده را در جریان تولید و بازتولید به حدی برساند که عملاً گرایش نزولی نرخ سود را خنثی کند. (برای توضیح مفصل طرق مختلف تشدید نرخ استثمار در نظام سرمایه‌داری به بخشهای ۳ تا ۵ جلد اول سرمایه و بخصوص به فصلهای ۱۶-۱۷ رجوع کنید).

افزایش ترکیب ارگانیک سرمایه - از آنجا که بیانگر بالا رفتن کیفیت و کمیّت وسائل تولید و لاجرم بالا رفتن بارآوری کار است - خود عاملی است که نرخ استثمار (نرخ ارزش اضافه) را افزایش میدهد، چرا که با افزایش

بارآوری کار، طبقه کارگر با بکار گرفتن وسائل تولید کارآمدتر، وسائل معیشت خود را در مدت زمان کمتری تولید میکند و لاجرم ارزش اضافه بیشتری به تملک طبقه سرمایه‌دار در می‌آید (تولید ارزش اضافه نسبی). تند کردن آهنگ تولید، کاهش اوقات استراحت کارگران در طی روز کار، ... روشهای دیگری برای افزایش ارزش اضافه تولید شده در طی روزکار معین است. از سوی دیگر سرمایه‌داران ممکن است خود روز کار را کش دهند و با افزودن به ساعات کار کارگران، نرخ استثمار را افزایش دهند (تولید ارزش اضافه مطلق).

خلاصه کلام، تا آنجا که سرمایه استثمار را به طرق مختلف تشدید میکند، میتواند گرایش نزولی نرخ سود را تا حدودی خنثی نماید. اما مسأله این است که انباشت و بالا رفتن ترکیب ارگانیک سرمایه تعطیل‌بردار نیست، حال آنکه تشدید نرخ استثمار اولاً محدودیت‌های فیزیکی و اجتماعی مشخصی دارد، و ثانیاً هر بار مشکوکتر میشود، و به این ترتیب گرایش نزولی نرخ سود اولاً در تحلیل نهایی مهر خود را بر پروسه انباشت سرمایه خواهد زد، و ثانیاً، از نظر تحلیلی همواره در تکاپوی ناگزیر و لاینقطع سرمایه برای تشدید هر چه بیشتر استثمار (برای جلوگیری از کاهش عملی سود) مستتر است.

۲- کاهش دستمزد کارگران به سطحی نازلتر از ارزش واقعی نیروی کار ارزش نیروی کار، در هر مقطع معین از توسعه جامعه سرمایه‌داری، برابر با ارزش وسائل معیشتی است که کارگر برای بازتولید نیروی کاری که در طول روز کار صرف کرده است بدان نیاز دارد. قانون حرکت سرمایه چنان است که سطح معیشت کارگران به حداقل ممکن کاهش یابد، اما این "حداقل" ممکن "الزاماً یک حداقل فیزیکی (یعنی در حدی که طبقه کارگر را فقط زنده نگاه دارد) نیست، بلکه "حداقلی" است که سرمایه توانسته است، در رابطه با فاکتورهایی چون درجه رقابت موجود میان کارگران و درجه آگاهی و تشکل سیاسی طبقه کارگر و توانایی

آن در دفاع از سطح معیشت خود، بعنوان سطح "معمول" زندگی کارگران به آنان تحمیل کند. ارزش واقعی نیروی کار ارزش وسائل معیشتی است که این "سطح معمول" زندگی را برای کارگران تأمین میکند (مثلاً داشتن یک یخچال کوچک و یا رادیو و تلویزیون کمابیش بمشابه جزئی از سطح معمول زندگی کارگران کشورهای اروپایی تثبیت شده است، اما بورژوازی و نظام سرمایه‌داری در کشورهایی چون ایران حتی از برسمیت شناختن حق داشتن سرپناه، حداقل بهداشت، و حتی تغذیه کافی برای توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش امتناع میکند. اهمیت مقولاتی چون امپریالیسم و مبارزه طبقاتی در درک چگونگی این امر نیازی به تأکید ندارد). به این ترتیب بدیهی است که چنانچه بورژوازی موفق شود سطح معیشت کارگران و زحمتکشان را از سطحی که "معمول و متداول" است تنزل دهد، بر سودآوری سرمایه افزوده و تا حدودی گرایش نزولی نرخ سود را خنثی نموده است.

از نظر تحلیلی کاهش سطح معیشت کارگران و یا تشدید نرخ استثمار (که قبلاً به آن اشاره کردیم) هر دو، از طریق کاهش سهم مزد در ارزش کل محصولاتی که طبقه کارگر تولید کرده است، بر حجم کل ارزش اضافه‌ای که نصیب طبقه سرمایه‌دار میشود می‌افزایند؛ با این تفاوت که در حالت اول (تنزل دستمزدها) سطح معیشت کارگران عملاً کاهش مییابد، کارگران فقیرتر میشوند، و در حالت دوم (تشدید نرخ استثمار) سطح معیشت کارگران ثابت میماند، اما ارزش وسائل معیشت آنان کاهش مییابد، (زیرا در مدت زمان کمتری تولید شده‌اند).

۳- ارزان شدن عوامل سرمایه ثابت (وسایل تولید) پیشتر گفتیم که اساس گرایش نزولی نرخ سود، افزایش ترکیب ارگانیک سرمایه - افزایش سریعتر سرمایه ثابت نسبت به سرمایه متغیر - است، که خود بازتاب این واقعیت است که سرمایه بطور متوسط هر بار وسائل تولید بیشتری را نسبت به واحد کار

انسانی به خدمت میگیرد. به این ترتیب روشن است که چنانچه در سیر انباشت، به هر دلیل، ارزش وسائل تولید کاهش یابد، سرمایه میتواند وسائل تولیدی بیشتری و یا بهتری را بکار گیرد بی آنکه به همان نسبت سرمایه ثابت پیش ریخته، و از این طریق ترکیب ارگانیک، افزایش یافته باشد. از این رو تنزل ارزش کالاها ۱- در پروسه تولید سرمایه‌داری، که نتیجه ناگزیر افزایش بارآوری عمومی کار انسانی است، خود عاملی است که در جهت عکس گرایش نزولی نرخ سود عمل میکند.

کاهش ارزش وسائل تولید (عوامل سرمایه ثابت) از طرق دیگر نیز امکان پذیر است. مثلاً تشدید نرخ استثمار در بخش تولید وسائل تولید؛ گسترش تجارت خارجی و خرید وسائل تولید از کشوری با بارآوری بیشتر؛ ورشکسته شدن بخشی از سرمایه‌داران و بالا کشیده شدن وسائل تولید آنان به بهایی نازلتر از ارزش واقعی آن، توسط سرمایه‌های قدرتمندتر. (عاملی که چنانکه پایین‌تر اشاره خواهد شد یکی از خصیصه‌های بارز دوره بحران است)؛ و ...

پس بطور خلاصه، بحرانهای دوره‌ای حاصل عملکرد متقابل گرایش نزولی نرخ سود و عوامل خنثی‌کننده آنست. اما گرایش نزولی نرخ سود، از آنجا که نسبت به عوامل خنثی‌کننده در سطحی عمیق‌تر و اساسی‌تر (از نظر قانونمندی درونی حرکت و انباشت سرمایه) عمل میکند، در تحلیل نهایی آثار خود را بر سودآوری سرمایه آشکار میکند. بحران بیانگر این واقعیت است که گرایش نزولی نرخ سود نه بصورت یک گرایش، بلکه بمشابه یک قانون مطلق عمل نموده و نرخ سود سرمایه (کل سرمایه اجتماعی) عملاً کاهش یافته است. از سوی دیگر، بحران صرفاً بمشابه یک "عارضه" تناقضات درونی سرمایه بروز نمیکند، بلکه خود، از آنجا که به عملکرد مجموعه‌ای از عوامل خنثی‌کننده شدت میبخشد، بصورت مکانیسم عملی تخفیف بحران، بصورت پروسه ایجاد شرایط مساعد

برای دوره جدیدی از انباشت سرمایه، نیز عمل میکند. در این مورد پایین‌تر توضیح خواهیم داد.

در اینجا لازم است به یک نکته اشاره کنیم: از شناخت قانون گرایش نزولی نرخ سود و عوامل خنثی‌کننده، تا توضیح و تحلیل بحران اقتصادی، در یک جامعه معین و در زمان معین، و چگونگی بروز آن از نظر شکل، عمق، دامنه و درجه تغییرات شاخصهای مهم تولید سرمایه‌داری و... و نیز تا تعیین تأثیرات مشخص بحران بر روند مبارزه طبقاتی و حرکات ناگزیر بورژوازی، راه درازی است. قانون گرایش نزولی نرخ سود و عوامل و مکانیسم خنثی‌کننده آن، صرفاً پایه‌ای‌ترین ابزار تحلیل بحرانهای اقتصادی مشخص را از دیدگاهی مارکسیستی تأمین میکند، حال آنکه تحلیل کنکرت مستلزم شناخت مقولات، روابط، مؤلفه‌ها و پارامترهای دیگر اقتصادی نیز هست که در هر قدم از سیر حرکت از قوانین عام به واقعیات خاص، مبیاید در تحلیل وارد شده و بکار بسته شود. نکته مهم اینجاست که این فاکتورهای کنکرت‌تر نه تنها قوانین عمومی حرکت سرمایه را نقض نمیکند، بلکه در حقیقت چگونگی مادیت یافتن و بالفعل شدن این قوانین را توضیح میدهند. اینکه تخفیف بحران جامعه سرمایه‌داری در همه حال مستلزم افزایش سودآوری سرمایه است یک قانون انکارناپذیر است، و در همین حد ضروریات بنیادی حرکت اقتصادی و سیاسی کل بورژوازی را آشکار میسازد. اما شناخت دقیقتر حرکات بورژوازی و اقشار مختلف آن، شناخت دقیقتر برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و انگیزه‌ها و امکانات عملی دولت بورژوازی در عرصه بحران اقتصادی و نیز احزاب سیاسی مختلف این طبقه، و... از این طریق شناخت ضروریات حرکت کنکرت جامعه در هر لحظه معین بمنظور اتخاذ تاکتیکهای صحیح مبارزاتی، مستلزم شناخت هر چه دقیقتر از ابعاد کنکرت‌تر بحران اقتصادی جامعه است. از این نقطه نظر آنچه ما در این مختصر ذکر میکنیم از



## نظری به تئوری مارکسیستی...

چهارچوب اشاراتی به پایه‌ای‌ترین قوانین و تناقضات نظام سرمایه‌داری و بحران ناگزیر آن فراتر نمی‌رود.

قبلاً اشاره شد که بحران اقتصادی، صرف‌نظر از اینکه بیانگر حدت یافتن تناقضات درونی سرمایه است، مکانیسم عملی تخفیف آن نیز هست. بحران از یکسو بیانگر این واقعیت است که گرایش نزولی نرخ سود بصورت ضرورتی مطلق به فعل درآمده است، و از سوی دیگر زمینه‌ای فراهم می‌یورد که گرایش‌های خنثی‌کننده نیز به بارزترین وجه به فعل درآیند:

۱- بحران رقابت موجود میان اقشار مختلف سرمایه را شدت میبخشد و هر بخش از سرمایه تلاش میکند تا برای ابقاء نرخ سود خود، از مجرای رقابت سهم بیشتری از ارزش اضافه را بخود اختصاص دهد. تشدید رقابت عرصه را بر اقشار ضعیفتر سرمایه تنگ میکند و بسیاری را به ورطه ورشکستگی سوق میدهد. این در واقع در حکم یک پروسه پالایش درونی سرمایه است. زیرا با ورشکست شدن سرمایه‌های ضعیفتر، شرایط سودآوری برای بخشهایی که برجای مانده‌اند مناسبتر میگردد. با ورشکسته شدن سرمایه‌های ضعیفتر، وسایل تولید این سرمایه‌ها با بهایی نازلتر از ارزش واقعی آن به تملک سرمایه‌های قویتر درمییند، کل سرمایه اجتماعی به این ترتیب متمرکزتر میشود بی آنکه ترکیب ارگانیک آن به همان نسبت افزایش یافته باشد. در این صورت ظرفیت وسایل تولید تغییر نکرده است، حجم محصولات و کل ارزش آن ثابت مانده است، اما ارزش اضافه تولید شده اینک به سرمایه‌هایی با جمع ارزش کمتر تعلق میگیرد و نرخ سود سرمایه (که حاصل تقسیم کل ارزش اضافه به ارزش کل سرمایه است) افزایش مییابد.

حتی با فرض عدم تمرکز، یعنی با فرض اینکه وسایل تولید سرمایه‌داران ورشکسته بالا کشیده نشود، بلکه اصولاً از عرصه تولید بیرون رانده شود، نفس حذف سرمایه‌هایی که از

بارآوری کمتری برخوردارند (یعنی ارزش اضافه کمتری نسبت به واحد سرمایه تولید می‌کردند) نرخ سود متوسط را افزایش میدهد، زیرا ارزش کل سرمایه اجتماعی (مخرج کسر نرخ سود) به نسبت بیشتری از کل ارزش اضافه تولید شده (صورت کسر) کاهش یافته است.

تشدید رقابت و پالایش درونی سرمایه اجتماعی درهای دیگری را نیز به روی سرمایه‌داران در ابقاء و یا ازدیاد نرخ سود می‌گشاید (از قبیل استفاده از بازار فروش رقبای ورشکسته و افزایش مقیاس تولید، که با بارآوری بیشتر کار همراه است؛ استفاده از امکانات

تکنیکی مدرن تر و...) که توضیح مفصل آن در این مختصر نمیگنجد. آنچه میباید تأکید و جمع‌بندی شود این است که اولاً بحران با تشدید رقابت زمینه لازم را برای پالایش و تجدید سازمان درونی سرمایه و از این طریق افزایش سودآوری آن فراهم می‌یورد و ثانیاً از آنجا که سرمایه از دل هر بحران متمرکزتر بیرون می‌یابد، بحران بعدی با ابعاد گسترده‌تر عمیقتری ظاهر میشود، رقابت شدیدتری را موجب می‌گردد و تخفیف آن بازسازی هم‌جانبه‌تری را برای سرمایه ضروری می‌سازد. به این ترتیب با هر بحران سرمایه یک قدم به فروپاشی خود نزدیک میگردد.

۲- بحران عملاً زمینه تشدید نرخ استثمار و نیز کاهش دستمزدها به سطحی نازلتر از ارزش واقعی نیروی کار را فراهم می‌یورد. ورشکسته شدن سرمایه‌های مختلف و خارج شدن آنها از عرصه تولید، در عین حال کارگران آنها را نیز بیکار کرده و روانه بازار کار میکند. ارتش ذخیره بیکاران گسترش مییابد، فقر توده‌ها تشدید میشود و رقابت میان کارگران بر سر یافتن کار اوج میگیرد. به این ترتیب سرمایه امکان مییابد تا از کارگران کار بیشتر و شاق‌تری بکشد. از سوی دیگر بیکار شدن توده‌های وسیع کارگر، که تأمین معیشتشان ناگزیر بر عهده دیگر برداران و خواهران رنجبرشان قرار می‌گیرد، طبقه کارگر را بطور کلی فقیرتر میکند. قدرت خرید دستمزد

کارگرانی که کار خود را حفظ کرده‌اند نیز در مقابل تورم روزافزون قیمت‌ها کاهش مییابد. به این ترتیب مکانیسم بحران سطح "معمول" معیشت کل طبقه کارگر را تنزل میدهد. بدیهی است که سرمایه در استخدام مجدد این کارگران به سطح دستمزدهای پیش از بحران باز نمیگردد و لاجرم سطح دستمزدها بطور کلی به سطحی نازلتر از ارزش واقعی نیروی کار کاهش مییابد و بحران عملکرد خود را بمشابه مکانیسم خودکار بحرکت درآوردن عوامل خنثی‌کننده گرایش نزولی نرخ سود به نمایش میگذارد.

به بیان دیگر در جریان بحران تضاد اقتصادی- طبقاتی کار و سرمایه تشدید میشود. سرمایه بیش از پیش به افزایش نرخ استثمار طبقه کارگر محتاج میگردد. تشدید رقابت در میان اقشار مختلف سرمایه بنوبه خود بازتاب تشدید تضاد کار و سرمایه است. رقابت به اقشار مختلف سرمایه نشان میدهد که اگر استثمار طبقه کارگر را تشدید نکنند، دیگر همه نمیتوانند در حد سابق سودآوری کنند. سرمایه‌های قدرتمندتر در این رقابت "خویشاوندان نالایق‌شان" را که "عرضه" استثمار بیشتر نیروی کار را ندارند از میدان بدر میکنند تا خود ضرایب رابطه کار و سرمایه را از نو تعریف کنند. مبارزه طبقاتی تشدید میشود و دقیقاً به درجای که طبقه کارگر در مقابل یورش همه جانبه بورژوازی مقاومت و یا حتی تعرض متقابل کند، جدال موجود میان اقشار مختلف سرمایه نیز بالا میگیرد.

پایان کار از دو حال خارج نیست: یا پرولتاریا از نظر ایدئولوژیک- سیاسی - تشکیلاتی از چنان قدرتی برخوردار هست که بحران اقتصادی بورژوازی را به عرصه سیاسی و به مبارزه‌ای مستقیم بر سر حکومت بکشاند و از این طریق اقتصاد بورژوازی را با بحران آن برای همیشه نابود کند، و یا مبارزه در سطح اقتصادی محدود میماند و بورژوازی در یورش خود به سطح معیشت طبقه کارگر به پیروزی میرسد، استثمار تشدید میشود، و

زمینه لازم برای آغاز دوره جدیدی از انباشت سرمایه برای بورژوازی فراهم میگردد. راه میانه‌ای نیست، و محدودیت و عجز تاریخی جنبش سندیکایی کارگران در تحلیل نهایی در همین واقعیت نهفته است. در دوره بحران حتی قدرتمندترین جنبش سندیکایی هم نمیتواند در دفاع از سطح معیشت کارگران کاری از پیش ببرد، چرا که در نتیجه بیکاری میلیونی، سطح معیشت آنان عملاً کاهش یافته است. در زمان بحران کارگران نمیتوانند بی آنکه نفس مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را به زیر سؤال بکشند، بی آنکه به مبارزه‌ای برای نفی این مالکیت دست زنند، به هیچ دستاورد اقتصادی‌ای (در سطح کل طبقه کارگر) دست یابند. مبارزه برعلیه مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، قبل از هر چیز مستلزم مبارزه‌ای برای تصرف قدرت سیاسی است. کسب قدرت سیاسی یا قبول تنزل سطح معیشت. اینست دوره‌ای که هر بحران جامعه سرمایه‌داری پیشروی کارگران قرار میدهد. اینرا تئوری مارکسیستی بحران اثبات کرده و، نسل پس از نسل، طبقه کارگر جهان تجربه نموده است.

خلاصه کنیم: بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری، که از تناقضات درونی حرکت و انباشت سرمایه ناشی میشود، خود زمینه‌های تخفیف این تناقضات و مقدمات دوره جدیدی از انباشت سرمایه را نیز فراهم می‌یورد. بحران شرایطی ایجاد میکند تا عوامل خنثی‌کننده گرایش نزولی نرخ سود، با شدت بیشتری به حرکت درآیند. عرصه‌های عملکرد این عوامل خنثی‌کننده را میتوان بطور کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱) مناسبات متقابل اقشار مختلف سرمایه - بحران رقابت را تشدید میکند. و از این طریق به پالایش و تجدید سازمان گسترده‌ای در درون کل سرمایه اجتماعی دامن می‌زند، و سودآوری کل سرمایه اجتماعی را افزایش میدهد.

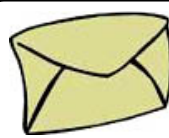
۲) مناسبات متقابل کار و سرمایه.

بحران مبارزه طبقاتی را تشدید میکند. سرمایه هجوم وسیعی را به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان آغاز میکند. در صورت شکست طبقه کارگر در این مبارزه سرمایه امکان مییابد تا بر عرصه فقر توده‌ها بهای نیروی کار را تنزل دهد، استثمار آن را تشدید کند، و شرایط لازم را برای آغاز دوره جدیدی از انباشت سرمایه (با سودآوری کافی) ایجاد نماید.

اما این نه برای پرولتاریا و نه برای بورژوازی پایان کار نیست. بورژوازی از این طریق تنها فروپاشی نظام تولیدی را برای مدت محدودی به تعویق انداخته است. از آنجا که سرمایه با هر بحران متمرکزتر میشود و نیز نرخ استثمار تشدید میگردد، بحران بعدی با شدت و با عمق بیشتری بروز میکند و کارایی خود را نیز بعنوان یک مکانیسم تخفیف تناقضات درونی سرمایه، بیش از پیش از دست میدهد. از یک طرف با تمرکز سرمایه پروسه پالایش درونی آن هر بار ابعاد خصمانه‌تر و سبعانه‌تری مییابد، چرا که رقبا محدودتر و بزرگتر گشته‌اند (رقابت میان انحصارات تا حد جنگ مستقیم میان دول کشورهای سرمایه‌دار تشدید میگردد). از طرف دیگر با افزایش نرخ استثمار، افزایش مجدد آن، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی، برای سرمایه دشوارتر میشود، بخصوص که با توجه به متمرکز شدن سرمایه، مقدار این افزایش نیز میباید هر بار بیش از دوران قبل باشد تا بتواند گرایش نزولی نرخ سود را خنثی کند. از آن مهمتر، پرولتاریا از دل هر بحران آگاهتر و رزمندتر بیرون می‌آید، هر چه وسیعتر در حزب سیاسی طبقه خود، حزب کمونیست، متشکل تر میگردد و امکان مییابد تا به رهبری آن رسالت تاریخی خود را بعنوان گورکن نظام تولید سرمایه‌داری به انجام رساند.

زیرنویس

۱) پدیده تورم، علی‌رغم کاهش مستمر ارزش کالاها، با بررسی نقش اعتبارات و هزینه‌های دولتی قابل توضیح است.



## نامه های شما

### سحر از اهواز

#### میخواستم بیشتر آشنا بشم

"سلام، خوبی؟ من سحر هستم از اهواز، دانشجوی هستم و بتازگی با شما آشنا شدم و آشنایی زیادی با حزب شما ندارم. میخواستم بیشتر با شما آشنا بشم. مرسی ویای."

ج.ک: سحر جان برای برنامه حزب و نشریه جوانان کمونیست را فرستادیم. آنها را بخوان و نظر و سوالات را بفرست. تی وی کانال جدید را ببین و در جلسات هفتگی سبک که هر هفته جمعه ها ساعت ۱۰:۳۰ شب ایران در یاهو مسنجر برگزار میشود سعی کن شرکت کنی. در مورد مسائل بعدی، مستقیما با هم صحبت خواهیم کرد. موفق باشی. کیان.

### مانیا از اصفهان

#### برگرداندن احمدی نژاد

"میگن مسئولان المپیک در چین احمدی نژاد رو که برای مسابقات پارالمپیک به چین رفته بود فردا برگردوندند، دلیلی رو هم که برای این کارشون آوردن این بوده که این مسابقات برای معلولین جسمی هست نه معلولین ذهنی."

ج.ک: مانیا جان مرسی. منتظر مطالب بعدیت هستیم. کیان.

### پرویز از آبادان

#### لطفا نشریه بفرستید

در نامه ای به الیا: "سلام، الیا جان، این آدرس ایمیل..... متعلق به یکی از دوستان من است لطفا برای او نشریات و اخبار را بفرستید. مرسی."

ج.ک: پرویز جان با تشکر. منتظر نوشته های بعدیت هستیم. دوستان دیگر نیز باید جمع آوری ایمیل را در دستور کارشان قرار دهند. منتظر تماسهای شما هستیم. کیان.

### نوشین آزادی از اصفهان

#### حزب چطور اداره میشه؟

"سلام، خوبی کیان؟ میخواستم بیرسم تصمیمات در حزب چطوری و توسط چه کسانی گرفته میشه و کلا به چه صورتی حزب اداره میشه. مرسی."

ج.ک: نوشین جان حزب کمونیست کارگری از جزیی ترین بخشها تا سراسری ترین بخشهایش از طریق تلاش و فعالیت داوطلبانه افراد معمولا کاندید شدن آنها واز طریق رای گیری و انتخاب آنها و قبول مسئولیت اداره میشود. همه بخشهای این حزب بر این مبنا- دخالت مستقیم کادرهای حزب- اداره میشوند. اعضا و کادرهای حزب حقوق مشخص خود را دارند.

اما بصورت مشخص بالاترین مرجع تصمیم گیری حزب کنگره حزب است که معمولا هر دو سال یکبار- کمی بالا یا پایین- بصورت حضوری با شرکت نمایندگان، کادرها، اعضا و مهمانان دیگر افراد و سازمانها برگزار میشود. و در کنگره، کمیته مرکزی حزب انتخاب میشود و سیاستهای کلان حزب در میانه دو کنگره که معمولا بصورت قطعنامه ارائه میشود به بحث و رای گذاشته میشود. کمیته مرکزی مسئول اداره و رهبری حزب در فاصله بین دو کنگره است.

کمیته مرکزی به نوبه خود لیبر حزب و همینطور اعضا دفتر سیاسی حزب را انتخاب میکنند. در فاصله بین دو کنگره معمولا هر ۴ ماه یکبار - کمی بالا یا پایین- جلسات کمیته مرکزی حزب که پلنوم نام دارد با حضور اعضا کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار میشود و حزب در فاصله پلنوم قبلی تا به آموغ مورد بررسی قرار می گیرد و با برگزاری انتخابات دبیر کمیته مرکزی و اعضا دفتر

سیاسی انتخاب میشوند و همچنین قطعنامه های مربوط به مسائل هر دوره به بحث و رای گیری گذاشته میشود. در ضمن هر کمیته، حوزه و یا واحد شهری، منطقه ای و کشوری نیز بطور مجزا کنفرانس ها و انتخابات مربوط به خود را دارند. این خلاصه ای بود از آنچه که در حزب برقرار است و بطور کلی و خلاصه میتوانم بگویم آنچه که ما در یک دنیای بهتر در مورد نحوه اداره و دخالت مستقیم افراد در تصمیمات قید کرده ایم آترا بوضوح در حزب میتوان دید. امیدوارم با این توضیحات جوابات را گرفته باشی. اگر سوالی بود آنرا مطرح کن. شاد باشی. کیان.

### مهمت از تبریز

#### به مدرسه رفتن کردان

"مادر کردان در پی وزیر شدن فرزندش گفت: اگه میدونستم یک روز وزیر میشی حتما میفرستادم مدرسه."

ج.ک: مهت جان کار این کردان از آکسفورد به دانشگاه آزاد و بعد به نهضت سواد آموزی و حالا به این نکته ای که یو گفته ای کشیده شده باید دید در ادامه سر از کجاها در خواهد آورد. ولی بواقع جمهوری اسلامی همه چیزش به این افتضاحی و وقاحت است باید تکلیف این رژیم ضد انسانی را یکسره کرد. فعلا بای. کیان.

### نامی از تهران

#### بیگیری از یک دانشجو

"یکی از دانشجویان دانشگاه علامه طی جر و بحثی که با یکی از اساتید این دانشگاه بر سر موضوع اقتصاد اسلامی در کلاس درس داشت، روز چهارشنبه گذشته به کمیته ی انضباطی فراخوانده شد، لطفا با درج این موضوع و انتشار آن حمایت خود را از دانشجویان ایران ابراز دارید. این دانشجو با (که) والدین وی اصرار دارند نامش فعلا درج نشود) پس از معرفی خود به حراست دانشگاه، تا هم اکنون یعنی

نیمه شب روز چهارشنبه به منزل مراجعت نموده و مسئولین حراست در مقابل تماسهای والدین وی ابراز بی اطلاعی کرده اند. زنده باد آزادی بزنده باد برابری."

ج.ک: نامی جان مرسی از خبری که فرستاده ای. باید در دانشگاه دانشجویان نسبت به اینگونه مسائل اعتراض کنند و اجازه این اقدامات را به جمهوری اسلامی ندهند. ما هرروزه شاهد اعتراضات در این زمینه ها در دانشگاه های مختلف هستیم. در ضمن در صورت بروز این گونه مسائل باید سریعا و بطور کامل خبرسانی کرد. نباید مرعوب شرایط سرکوبی که رژیم

مدام میخواهد بین دانشجویان و خانواده های آنان و کلا جامعه ایجاد کند، نشد. آنچه که به افراد دستگیر شده و تحت فشار کمک میکند و توان سرکوب رژیم را از بین میبرد و یا کاهش میدهد اعتراض و خبر رسانی ست. نامی جان پلیز اخبار بعدی در مورد این دوستان را نیز برایمان بفرست و دوستان دیگر نیز اگر اطلاعی در این زمینه دارند اخبار آترا برایمان بفرستند. کیان.

### سیاوش شهابی، ایران

#### دوباره مینویسم

"سلام مصطفی جان مدتی ناخوش بودم و نمی تونستم بنویسم. البته با نوید در ارتباط بودم. اما الان بهترم از این هفته هم میخوام دوباره بنویسم."

ج.ک: مرسی سیا جان. بقول قدیمی ها بلا دور باشد. خوشحالم که بهتر هستی و امیدوارم سرحال و قیبراق مثل قبل بنویسی. یادداشت کوتاه شما را هم اینجا می آوریم که همه خوانندگان بدانند. مخلص مصطفی.

### حمید از تهران

#### عکس و کاریکاتور

"سلام. این عکسها هرکدام بجای خود جالبه و کلی حرف برای زدن داره."

ج.ک: با تشکر از حمید بخاطر ارسال این عکسها. ما چندتا رو انتخاب کردیم که می بینید. کیان عکسها مربوط به تهران است و مسابقه فوتبال نمایشی ردبول در باشگاه انقلاب در هفته گذشته. به حجاب ها دقت کنید:

